

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هسته‌های مقاومت در ایران

تظاهرات بزرگداشت انقلاب مشروطیت

گزارش‌های رسیده از هسته‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران حکایت از آن دارد که در شب سیزدهم مرداد (۱۴ اوت) تظاهرات سا زمان یافته در خورتوجهی در بسیاری از شهرهای ایران، بمناسبت هشتادمین سالروز اعلام مشروطیت برپا شده است. این گزارش‌ها، دربارهنحوهوشکول بزرگاری تظاهرات، چنین توضیح می‌دهد: "گروه‌های پنج تا هفت نفری از جوانان وابسته به هسته‌های مقاومت در شهرهای گوناگون ایران، در شب سیزدهم مردادماه با برنابهریزی‌های قلی‌شاه‌ها، پلاکاردها و عکس‌های بیشمار در سطح شهرهای تهران، اصفهان، کربلا، رشت، بابل، تبریز، راضی‌ه... توزیع کرده‌اند..."

بقیه در صفحه ۱۱

وای به حال امریکا!

در بحث ۷

استانی جذاب

از تاریخ بی‌هقی

در صفحه ۶

هادی بهزاد

حوادث پیش از توفان

بودیا گورستان. پدران و مادران بسیاری هستند که جوانان خود را از وحشت سیادان در خانه حبس کرده‌اند. پدری نقل می‌کند که چگونه ماه تمام پسرش را از رفتن به مدرسه بازداشت و در کج خانه زندانی کرده است. می‌داند سراز مرداب‌های مجنون و برهوت هورا لهویزه در آورد. ولی یک روز که ظاهراً "سربک به تنگ آمده و برای گشتی در کوچه و بازار، دل بدربیا زده بود، درست در همان روز به دام افتاد و پدران آن پس‌دیگر نشانی از او ندیده است. پیدا است که در چنین جو هولناکی اگر طاقت آدمیزاد به سختی گویی باشد، در هم می‌شکند.

بقیه در صفحه ۲

روایت می‌کنند و این همه نا منتظر نیست. در آمدیک ماه خانوار، گسردان متعارف حتی یک هفته را جواب نمی‌دهد. در قشرهای کم درآمد آمار گرسنگی و کمبود غذا، بر چهره‌ها پیدا است. خانه‌های جرم‌ان قصور غنیمتی که به انبوه قراول و بیساول محافظت میشوند، از سرت‌های شبانه روزانه ایمن نیست. حکایت درمان و دارو، مصداق مشکل سیمرخ و کیمیا است. بیماری‌های از یادرفته، مانند تراخوم سیاه زخم و مالاریا و کجلی روزافزون است. گذشته از این‌ها، هیچکس به فردای خود آگاه نیست که جای پیش زندان خواهد بود.

حال و هوای امروز ایران به حال و هوای قبل از توفان میماند. علائم بسیار از پایان تحمل خبر می‌دهد، خوشه‌های خشم در همه جا، کوچه و بازار و مدرسه و خانه و اداره و کارخانه به چشم می‌خورد، حرکت‌های اعتراضی اوج می‌گیرد، لعنت و نفرین حدیث رایج است، احتیاط و پنهانکاری فراموش شده است، از دیوارهای موش‌دار، هراسی نیست؛ اعتصاب بزرگان، اعتصاب تاکسیران‌ها، امواج ناراضگی در موبس‌ساز کارگری - ناآرامی‌های پی‌درپی در مناطق عشیره‌ای، عقده‌گشایی به فریادها و ناسزا، در صف‌های بی‌انتهای خرید و حتی در فضای بسته‌ی اتوبوس‌ها، از ظهور پرشتاب بی‌باکی‌ها

گزارش‌های ایران

در نخستین روزهای تیرماه مردم رشت در شرایط گرانی نفس‌گیر ماده اصلی حیات شان "برنج" و کمبود نان به تظاهراتی خروش آمیز دست زدند و هنگامی که پاسداران قصد تیراندازی و پراکندن مردم را داشتند زنگان چادرهای خود را گشوده و سینه‌ها را جلو داده و فریاد کشیدند: بیا شید بزنید یا بما غذا بدهید!

بقیه در صفحه ۴

قربانیان بی دفاع

از پنج هفته پیش "جنگ شهرها"، بالا گرفته است. عراق با بمباران بی‌امانگاه شهری، این "جنگ" را بار دیگر گشوده است و ایران نیز به تلافی برخاسته است. طی این مدت، تقریباً "هر روز" هدف‌های نظامی و اقتصادی "آنچه که طرفین در بمباران‌ها مدعی‌اند، مورد حمله قرار می‌گیرد، اما قربانیان این حملات اکثراً "مردم شهرها هستند. خانه‌های بسیاری بر سرشهرندان فروری ریزد، در حالی که اهداف واقعی اقتصادی و نظامی، کمتر در حملات این چند هفته زیر ضربه قرار داشته‌است. عراق، شهرهای اراک و درود و اصفهان و سنج و بانه را فرود کوبیده است و ایران به تلافی بصره و چند شهرگردشین عراق را هدف قرار داده است. این مرحله از "جنگ شهرها" در حالی ادامه می‌یابد که ناظران سازمان ملل در حال دیدار از شهرهای بمباران شده بودند، زیرا هر دو طرف مدعی‌اند که دشمن از توافق ضمنی ۱۹۸۵ بر بی‌حید است و هدف‌های غیر نظامی و خانه‌های مردم را بمباران می‌کند. گزارش‌های مربوط به تلفات ناشی از این حملات نیز می‌تواند دقیق باشد، زیرا فی‌المتل وقتی جنگنده‌های عراقی اراک را بمباران کردند، مقامات دولتی تلفات ناشی از این حمله را ۱۲ نفر ذکر کرده بودند اما وقتی روزنامه "رسالت"، قربانیان بمباران اراک را بیشتر از یکصد نفر اعلام کرد، مقامات جمهوری اسلامی نیز قربانیان بمباران اراک را بتدریج تا حدود صد نفر اعلام داشتند. بهر حال، جنگ بهبود و ویرانگر دو کشور همسایه و دو ملت مسلمان را از هستی ساقط می‌کند و این فاجعه در حالی بالا می‌گیرد و ویرانی روی ویرانی می‌افزاید که جمهوری اسلامی، هرگونه مذاکرات صلح را رد می‌کند. گزارشی که در زیر می‌آید، گلوله‌باران منطقه "سیروان" عراق را توصیف می‌کند. چنین مصائبی هر روز بر ملت ایران نیز می‌رود و جنگ بی‌حاصل بسا زهم قربانیان پر شمار دیگری از ایرانیان خواهد گرفت.

بقیه در صفحه ۳

کمال روحانی

قلمرو خصوصی

خوئینی‌ها!

موسوی خوئینی‌ها دادستان جمهوری اسلامی ضمن یک سخنرانی در مشهد اظهار داشت که مبارزه با بدحجابی را بعنوان نهنی از منکر با بدبرعه‌ده "همه" افراد جامعه گذاشت. وی رسماً "اعتراف کرد که جزا ز طریق حزب‌اللهی‌ها برخورد با این مسئله غیر ممکن است. به عبارت بهتر موسوی خوئینی‌ها در مقام دادستان جمهوری اسلامی تأکید کرد که ضرب و شتم و همن مردم کاری است که از نظر رژیم ولایت فقیه، اصولی و منطقی است. وی یکبار دیگر به موضوع دعوت دولت موسوی از ایرانیان خارج

از کشور اشاره کرد و افزود: البته مسئله بدحجابی با بازگشت خوانین و سرما به داران و وفارایان مرتبط است و اینکه ما از کسانی که چند سال است در خارج هستند و با فرهنگ ما بیگانه هستند دعوت کنیم به کشور بازگردند، این خود به بدحجابی‌ها من می‌زند. جالب توجه است که اظهارات موسوی خوئینی‌ها درست هنگامی انتشار یافته که آیت‌الله منتظری ماوران رژیم را به اعتدال و پرهیز از اعمال خشونت در برخورد با مردم دعوت کرده است. منتظری حتی تأکید کرده بود که ایران نباید در خارج از کشور به مملکت بازگردند.

این دو نمونه متناقض از اظهارات مسئولان رژیم گویای اینست که هر یک از آن‌ها در رژیم ولایت فقیه، یک قلمرو خصوصی دارد. بنا بر این تعجب آور نیست که در یک روز آیت‌الله منتظری در این ارکستر پرهیاهوی می‌بزند و

بقیه در صفحه ۴

کنفرانس مطبوعاتی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان

۶ سال نبرد برای استقرار دموکراسی

است در داخل و خارج ایران بصورت چشم‌گیری توسعه یابد. ۱۴ مرداد مقارن با سالگرد اعلام مشروطیت در ایران است. نماینده نهضت افزود: شاپور بختیار جوان و دانا نشجو در اروپا نیز در مقابل دیکتاتور فرانکودرا سپا نیس قد برافراشت و در جنگ جهانی دوم، علیه سربازان هیترلی جنگید. پس از پایان تحمیلات با آن که وی می‌توانست در رژیم وقت ایران با لاترین مقام‌ها را بدست آورد، به خاطر منافع ملی و دفاع از حقوق مردم کشورش، در مقابل دیکتاتور سلطنتی سرخشم نکرد و سی سال با آن مبارزه کرد و مدت‌ها در زندان بسربرد. بختیار از جوانی خواهان استقلال کشورش و دموکراسی و عدالت اجتماعی برای هم‌وطنانش بود و تاکنون هیچ‌گاه از این خط عدول نکرده است. شعار نهضت مقاومت ملی ایران هم، امروز غیر از آن نیست، یعنی: استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی.

بقیه در صفحه ۳

به مناسبت سالگرد تأسیس نهضت مقاومت ملی ایران، از سوی کمیته اجرائی نهضت، شاخه آلمان فدرال، یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۱۵ مرداد (۶ اوت) در سالن کنفرانس پارلمان آلمان برگزار شد. در این کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان خبرنگاری آلمان (د.د.آ)، نمایندگان خبرنگاری آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و روتستر، نمایندگان رادیوی شمال آلمان و صدای برلین و عده‌ای از روزنامه‌نگاران مستقل شرکت داشتند. در آغاز کنفرانس، یکی از نمایندگان نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان سخنرانی مشروحی درباره سوابق فعالیت‌ها و دیدگاه‌های نهضت ایراد کرد که قسمت‌های از آن در زیر می‌آید: نماینده نهضت در ابتدا گفت: نهضت مقاومت ملی ایران در روز ۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مرداد ۱۳۵۹) به وسیله آقای دکتر شاپور بختیار در شهر پاریس بنیاد نهاده شد. از آن تاریخ تا به حال، نهضت مقاومت ملی ایران توانسته

حوادث پیش از توفان

بقیه از صفحه ۱

سخت نیست، آب نیست، درمان نیست، امنیت نیست، گرمای آتشبار رخت، خوشنویس و آزار و حسیانهای او با شپا سدا رویسیجی و بدکاره های نا رالله هست که خود در عین حال منبع درآمدی است و همین کافیت بی اراده، در شدت گرمیها، مقنعه های او پس رود، تا رموشی ظاهر شود که پیشاپیش نرخی گناه را فقهائینا بر "حادثه نبوی" مشخص کرده اند و کیست که نداند در مقابل فرمان "فقیه" چون و چرا دیوانگی است.

واقعا؟ دیگر چه تحملی میماند؟ - این کدام موجود زنده و صاحب عصبی است که چنین جهنمی را تاب می آورد؟ اما رژیم در کنار این تنور تافته تنها به سرپوش اختناق و زور جسیده است و ظهرا "جزایین هم چاره ای ندارد که اگر دمی غفلت کند، سرا پای خود را به جرقه ای در آتش خواهد دید.

اما لرنزه های پیش از طوفان، جوانه های آنگار رخم و اعتراض به سهم خود این واقعیت را تکرار می کنند که اگر جبر و اختناق آخرین دستاویز "مانندین" است، الزاما "تضمین کننده های آن نیست و این سهل است، زبان تجربه می گوید که قهر و استبداد در اندازه غلیظ تر و سنگین تر شود، بهمان اندازه شدت انفعال رهمگین تر خواهد بود و گویا بر رژیم اسلامی عبور از چاهای چنین تجربه ای مقدور شده است.

از این هفت سالواندی که رژیم تمام تقای خود را به کار حفظ موجودیت خود گرفته است، ستا چهار سالی در هوای فریب و انتظار سپری شد. یک چند نیز جامعه حائل - مجروری را داشت که بدنش گرم بود، در درازای نمی کرد ولی درست همای نظور که انتظار می رفت، رفته رفته در دماغ هرشد و از این پس آوندها آنچه از مگردورغ اندوخته داشتند، یکبار زدند.

جمله را با لاف از هجوم "استکبار جهانی" کافی ندیده اند با قدا یجا دککاف در صفوف مردم، نمایش "مستضعف و مستکبر" را چاشنی کردند و لای آژانز پیدا بود که از این بازی هم طرفی نخواهند بست و خامت روز افزون زندگی و نتایج با بیای آن در همین مرز "تنگدستی و فشار" توقف نکرد، رژیم ناگزیر با ردیلاته ترین روش ها به تزریق "سیاست ارعاب" کمر بست و در این خطنصاب های حیرت انگیزی از جنایت و خباثت آفرید و از این رو، رژیم اسلامی در قیاس با تک و تک رژیم های فاسد و مستکبر، در قالب یک استثنا، و یک مسطوروی بی سابقه شکل گرفت.

در سایرین نظام های استبدادی دست کم خاموشی بهینا هگا و سپری مبدل میشود، آنچنان که اگر زبان را نگاهساری از ورطه خطر زستای، یعنی حکومت بنا معترض خاموش جنگی نداری، و گاه نظر را هم تحمل می کند و تنها پای عمل را می شکند، اما در رژیم جمهوری اسلامی این قاعده نیز از پایه بهم خورده است، یعنی فراتر از نظور و عمل، سکوت هم مایه ای مصونیت نیست، چرا که قرعه کشی مرگ در کار است. برای کارگری که از زن در آوردن محروم میشود، بیگاری آخر خط نیست، باید از وجود خود برای تافتن کوره ای جنگ سهمی ببرد از دوشربیت شهادت را و لولو نا خواسته بنوشد.

به همین سیاق پدر و مادر که در قبایل انواع مرات ها بغض خود را پنهان کرده و دم برینیا ورده و سوخته و ساخته اند، باید بدانند که مونیتهی تمییزشان نخواهد شد، زمانی خواهد رسید که با پدر از "تسلیمت و تنهنیتی، جگرگوشه ای خود را بسلامت امام و بیرسم قربانی تقدیم کنند و به شفاعت اخروی او مستظهریما کنند. گفتن ندارد که در این جو قساوت و وحشت، وقتی کار دینه استخوان رسید، خواه نا خواه سکوت های شکنند و ترس ها می ریزد و بغض ها ظاهر می شود، و ایین ماجرای است که به هزار بار هدر رفتن جمهوری اسلامی سرگرفته است. امروز در بیساری از مجالس مردم، خاصه در محافل نسل جوان، مرگ تدریجی و پرخواب حدیث اول است که در هر سر قدم

با پوست و استخوان خود حس می کنند و می پذیرند که "بالاتراز سیا هی رنگی نیست" و همین است که دل ها را برای به دریا زدن بر میا نگیزد.

با چنین درد و مصیبتی که فقط با یدکشید و با ورش کرد، بروز خیزش های اعتراضی یک انعکاس طبیعی است که با شتاب می رود تا پهنه ایران را بپوشاند.

اما ساس حرف این است که دل بستن به این جوش بی مهارتا چه حد منطقی است؟ آیا این لرنزه ها که قاصد طوفان هستند به خودی خود مشکل گشا نیز هستند؟ آیا این موج های کوچک ولو به مواجی کوه شکن تبدیل شوند، امید نجات را کفایت می کنند؟

اهل تاریخ و اهل تجربه و پیشاپیش ملیون ایران با سخاها را آما داده اند و یا قاعدتا "با یاد آما ده داشته باشند. تجربه می گوید این لرنزه ها را با پیدا قبایل کرد و میدان دا دولتی تا در راهی که بایسته است شکل بگیرند، هیچ دردی را دوا



سخن از نیا زا مرو زاست، مگر کسی خواسته است که آرم ان ها و اعتقادها را حتی سرپوش بگذارد؟ این حکم کدام قماش "دمکراسی" است که اگر دیگری ما را با ورنداشت پس حقیقت را با ورنکرده است؟ و نایستهی تحمل نیست؟

آیا تجربه ای گذشته، تجربه ای آن روزها که در وجود هیولائی چون خمینی خستاد را جستیم و به عما ما ش دخیل بستیم، کافی نیست تا برامکان لغزش بینش خود اعتراف کنیم؟

ظاهرا "بعضی تفاوتی راهم فراموش کرده اند که در آن زمان با مردمی رانده اند که (خودا مرو ز شجا عانه و آشکار به فریب خودا قرار می کنند) و حالا از مردمی فاصله می گیرند که به مغز خود بهما داده اند. مردمی که بخانه ای اول، یعنی به پیش از آن مرحله ای بازگشته اند که به ورطه "انقلاب و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و جمهوری دمکراتیک و دهیستیم" از این تحفه های خلق الساعه "بشارت می گرفتند.

آن ها اجرای قانون و عدالت و استقلال را می خواستند، که معطل مانده بود، با بیان پیچید و پیچیده شد و چشم باز کردند و خود را در قفس مردوزخ یافتند. حالا هم همان را که نیمه راه کم کردند طلب می کنند و طبعاً "دفع مانع را شرط اول می دانند. اگر پیله های فرسوده را بشکافیم، صدای مردم را می شنویم.

پیدا است هنوز هستند عناصری که همچنان با ساخته های مغز خود تعارف دارند. زمانی حرفی زده اند و حالا روی آن ندارند که بگویند: "نغزشی دست داد" و یا دست کم از خود سؤال کنند: "از کجا آغا ز کرده و یکجسا رسیده ایم؟" - جبارت آن را ندارند که این "مرغ یک پا" را سر برینند و خود را آسوده کنند.

بهر تقدیر آنچه را که با یدیا و رکنیم اینست که:

مردم راه خود را جستند - قافله هم برای افتاده است و دیر با زود به مقصد خواهد رسید، و فردا هیچ منطقی (خاصه وقتی این دنیا دنیا تجربه و درس پشت سرمانده است) جدا نمی هارا ولو به بیبناهی اختلاف در دیدها و سلیقه ها توجیه نخواهد کرد. یا دمان نرود که مردم، حالا اهل چون و چرا شده اند، چشم بسته تسلیم نمی شوند که خود حرف ها دارند.

برکناری صیاه شیرازی.

واهمه رژیم از ارتش

سرهنگ صیاد شیرازی هم به "شهادی زنده" انقلاب "اسلامی پیوست، او را از فرماندهی نیروی زمینی برداشتند و به جاییش یک سرهنگ دیگر، سرهنگ حسنی سعدی را منصوب کردند. اما پیش از آن که این سمت را از او بگیرند، یک صندلی در شورای عالی دفاع برایش گذاشتند. سید علی خامنه ای رئیس شورای عالی دفاع، علت آن برکناری را "مسئولیت خطیر" سرهنگ صیاد شیرازی در این شورا قلمداد کرده است. در کشور تا مل است که محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران و صیاد شیرازی فرمانده پیشین نیروی زمینی، همزمان به عضویت در شورای عالی دفاع پذیرفته شدند. واکنش این پرسش مطرح است که بر محسن رفیق دوست نیز بزودی همان خواهد رفت که بر صیاد شیرازی رفتند است. آیا ملاها می خواهند ملاسه ای را که با ارتش می کنند، با سپاه پاسداران نیز بکنند؟ اگر مسئولیت به اصطلاح "خطیر" عضویت در شورای عالی دفاع چنان است که نمی توان به کارهای دیگر رسید، پس چرا رئیس آن سید علی خامنه ای در عین حال رئیس جمهوری اسلامی و امام جمعه تهران نیز هست؟ چرا اکبر رفسنجانی، بطور همزمان ریاست مجلس شورای اسلامی و امامت جمعه تهران را نیز عهده دارد؟ محسن رفیق دوست و محسن رفیق دوست - یکی فرمانده سپاه پاسداران و دیگری وزیر این سپاه - آیا در شورای عالی دفاع آن مسئولیت خطیر را ندادند که می توانند در عین حال به هر دو کار برینند؟

پس از سر تیب قاسمعلی ظهیرنژاد، سرهنگ صیاد شیرازی دومین عضو تمام وقت شورای عالی دفاع است. البته معلوم نیست که وی در این شورا چه سمتی دارد که چنان وقت گیر است که مانع از آن می شود که به کارهای دیگری برسد. مگر شورای عالی دفاع هفته ای چند روز و هر بار چند ساعت جلسه دارد که عضویت در آن به صورت یک "مسئولیت خطیر" در آمده است؟

درواقع به سرهنگ صیاد شیرازی هیچ مسئولیت خطیری ندادند. بلکه او را محترمانه از فرماندهی نیروی زمینی کناره رگذاشته اند.

برکناری صیاد شیرازی پیش از همه یک چیز سیاسی را نشان می دهد، و آن اینکه رژیم اسلامی فرماندهان نیروهای مسلح را برای مدتی طولانی در یک سمت باقی نمی گذارد. در ارتش چنین است. در ژاندارمری و شهر با نی هم چنین است. رؤسای کلانتری ها، رؤسای شهر با نی شهرستان ها، فرماندهان نیروهای ارتش، مدام جابجا می شوند. رژیم همچنان از نیروهای مسلح، بویژه

ارتش، واهمه دارد. واهمه دارد. سابقه سرهنگ صیاد شیرازی نشان می دهد که یک افسار ارتش، هر قدر هم کدر "خط امام" حرکت کند، چنان که گهگاه از این امتیاز برخوردار گردیده در نماز جمعه دانشگاه تهران به سخنرانی بپردازد، هرگز از اعتماد حکومت ملاها برخوردار نخواهد شد.

صیاد شیرازی دست "امام" را بوسید و بر دیده نهاد. صیاد شیرازی، نه مانند یک افسروا قعی بلکه مانند یک عضو رژیم، کاسه امام را لیسید و دورتقاب او با دستان چید. سبزی آخوندها را پاک کرد و در سخنرانی ها و مناخبه ها پیش همان لاف ها را زد و گزافه ها را گفت که از زبان مبلغان حکومت اسلامی مدام می شنویم. با وجود این، سرانجام به همان نجسا فرستاده شده که پیش از این قاسمعلی ظهیرنژاد را فرستاده بودند.

صیاد شیرازی اگر یک استثنا کرده باشد، این است که روزی در گزارشی به وزارت دفاع نوشت که پرسنل ارتش ناراضی است، و حق هم دارد که ناراضی باشد. زیرا در مقابل سپاه پاسداران خود را محروم احساس می کند. نوشت که اگر وضع ارتش بر همین منوال ادامه یابد، ناراضی در ارتش ابعاد دنگران کننده ای خواهد گرفت.

از آن پس رژیم هیچ گامی در جهت رفع ناراضی ها نداشت. ارتش و سپاه هر یک از خود که هیچ، بلکه به شیوه مزورانه، خاص خود به بریدن شاخ و برگ ارتش ادامه داد. نگرانی رژیم از ارتش و نیروهای مسلح چنان است که پروا از این ندارد که در زمان جنگ به سپاه است تضعیف ارتش همچنان ادامه دهد.

رژیم اگر سر نوشت جنگ را به دست ارتش سپرده بود، مسلما "کشور امروز این قدر تلفات و خسارت نمی دید. ولی میان بن بست جنگ و تقویت ارتش، رژیم همان راه بن بست را ترجیح می دهد. سیاست جابجا کردن فرماندهان و رؤسای نیروهای مسلح را به قیمت بی ثبات کردن نیروی تدافعی کشور همچنان ادامه می دهد. رژیم احساس خطری کند از اینکه یک فرمانده، از هر قماش کسی می خواهد بداند، در یک سمت ریشه بدواند. برکناری سرهنگ صیاد شیرازی، پس از برکناری ظهیرنژاد، مهمترین تغییری است که در ارتش داده شده است. اما این، همان گونه که اولین تغییر نبود، آخرین آن نیز نخواهد بود.

فروش انگشترهای ازدواج

در مورد کنترل نرخ ها، دولت عملا" به بیهودگی نرخ گذاری در شرایطی که رشته اقتصاد به کلی از هم پاشیده است متقاعد شده و نرخ کالاهای کثیرا مصرف به میل گردانندگان با زار خاصه گروه "رفیق دوست" و دست اندکاران بنیاد در مسئله میوه و تره بار بالا پیا پیا می رود. بخش عمده ای از میوه های باغ های "بنیاد" مستقیما" به شیخ نشین ها صادر می گردد. امسال تهران نی ها تنها دوسه هفته هندوانه کایمیونی با نرخ کم به خانه بردند و مجددا" با صدور هندوانه به شیخ نشین ها این محصول معروف ایرانی در ردیف کالاهای لوکس درآمد. کیلاسی کیلویی ۶ تومان و بقیه میوه ها در همین حدود است. در یک آمارگیری از تعدادی مغازه میوه فروشی به این نتیجه رسیدیم که میزان بقیه در صفحه ۱۵

کنفرانس مطبوعاتی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان

۶ سال نبرد برای استقرار دموکراسی

بقیه از صفحه ۱

دیکتاتوری نعلین

دکتر بختیار در طول مبارزات خود، جز در کابینه دکتر ممدق با دولت های دیگر وقت همکاری نکرد. ولی وقتی در سال ۱۳۵۷ احساس کرد که ملیت و فرهنگ ایران در خطر است، با تاء کید برایش که دیکتاتوری نعلین صدها بیستار خطرناک تر از دیکتاتوری چکمه است، سمت نخست وزیری را قبول کرد و در مدت ۲۷ روز حکومت خود توانست همه آنچه را که ملت برای آن سالها مبارزه کرده بود، به او بدهد؛ دیکراسی و آزادی، بختیار رفعا لیت احزاب را آزاد کرد، به روزنامه نگاران و نویسندگان آزادی بیان و قلم داد، ساواک را منحل کرد و مقدمات انتخابات با آزادماندگان مجلس را فراهم می آورد که متاسفانه به دلایل ایجاد جو تهدید و آراساب، از سوی قشربون مذهبی موفق نگردیدند (۰۰۰۰)

نماینده نهضت، در قسمتی دیگر سخرانی خود افزود: در قسمتی دیگر سخرانی درباری با ریاکاری خاص خود، مردم را برای کسب دموکراسی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال وطن، یعنی همان شعار نهضت مقاومت ملی ایران دعوت می کرد.

حکومت سابق دشمنان خود را در میان چپ و میانه ملی جستجو میکرد و در مقابل به آخوندکک مالی می کرد و آن ها را در مساجد آزادی گذاشت. ملاها نیز با استفاده از هسته های تبلیغاتی در مساجد، توانستند در ماههای آخر، کفایت ترازو را به نفع خود به حرکت در آورند. در حالی که جنبش ضد دیکتاتوری ایران به هیچ روی جنبشی مذهبی نبود.

نماینده نهضت، در اینجا به ارائه بیان کوتاهی از حاصل حکومت آخوندها پرداخت و گفت: "ملاها پس از پیروزی، دقیقاً برعکس گفته های خود عمل کردند؛ هزاران

انسان را بدون محاکمه و بسط طور دسته جمعی تیرباران و یا راهی زندان کردند. زنان را خانه نشین ساختند. زنان ایران اینک حق ندارند حتی رنگ و مدل لباس خود را انتخاب کنند. کودکان را به جبهه های جنگ اعزام کردند و اقلیت های مذهبی و قومی را قلع و قمع کردند و در پی صدور انقلاب خود به کشورهای همسایه بودند که همین باعث آغاز جنگ جمهوری اسلامی عراق گردید (۰۰۰) ما حمله عراق به ایران و همچنین دخالت خمینی را در امور داخلی کشورهای همسایه محکوم می کنیم. نماینده نهضت افزود: ما معتقدیم این جنگ با پدید آمدن قرائن دلچسپ و بی پایان برسد و طرفین پس از تیرک مخاصمه به گفتگو بپردازند.

امروز ۲ میلیون ایرانی تیرک وطن کرده اند، سه میلیون آواره، جنگی هستند و قریب سه تا چهار میلیون بیکارند.

دولت جمهوری اسلامی قادر نیست حتی نیکی از بودجه مملکت راتاء مین کند. تورم در حدی است که حتی افراد ثا غل نمیتوانند زندگی خود را اداره کنند. راتاء مین کنند، جز مشتی ملای شا غل و دست اندکاران رژیم، وعده های پاسدار و بسیجی، بقیه مردم ایران ناراضی هستند و اکثر "مدما ت جبران ناپذیری از رژیم خورده اند. بسیاری از روحانیون به مخالف رژیم هستند.

بسیاری از آیات عظام و مراجع تقلید بارها علیه رژیم اعلامیه داده اند و جنگ بین دو کشور مسلمان را محکوم کرده اند.

نماینده نهضت در قسمت دیگری از سخرانی خود در کنفرانس مطبوعاتی نهضت در پارلمان آلمان افزود: اکنون تمام گوش ما آن است که مردم ایران را متحد و متشکل سازیم و در مبارزه بین اقشار مردم همتا همتا بوجود آوریم. در خارج از ایران سعی داریم ما هیت رژیم را به افکار عمومی جهان بشناسانیم و ایران را طرفدار

تبدیل شده بود که زیر آتش توپخانه سه جمهوری اسلامی قرار داشتند.

یک روستای با تاء شر برای ما شرح داد که بیشتر قربانیان در اینجا جان خود را از دست دادند، زیرا این مدرسه محکم ترین ساختمان شهر بود و از ابتدای آشنایی جمهوری اسلامی، عده زیادی اینجا پناه آورده بودند.

گزارشگر خبرگزاری فرانسه می افزاید: در بیما رستان سلیمانیه که مصدومان بلافاصله پس از ختم آشنایی جمهوری اسلامی، در آنجا بستری شده اند و اکثر آن ها زن و بچه هستند، یک مسافر هیجده ساله را دیدیم که برای طفل ۶ ماهه خود می گریست، وی می گفت جده اش را در آرمیباران جمهوری اسلامی، زیر آوار از دست داده است.

در ۴۸ ساعت گذشته ۱۲ نفر از زخمی ها جان سپرده اند و بدین ترتیب تعداد تلفات ۷۴ به ۸۶ کشته رسیده است. رئیس بیما رستان سلیمانیه گفت: بسیاری از مجروحان به علت شدت سوختگی در وضع وخیمی بسر می برند.

قیام ایران: - این گزارش چنانکه از متن برمی آید شرح مشاهدات مستقیم خبرنگار است، ما سخنگوی تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی، گلوله باران سیروان را به شدت تکذیب کرد. مدعی شد که عراق راست می گوید از هیات کارشناسی سازمان ملل برای بازدید منطقه مورد حمله دعوت به عمل آورد. این سخنگوی فراید: عراق برای حمله های خود به شهرهای ایران مشغول زمینه سازی است.

حاکمیت ملی را کرده ایم. ما برخلاف گروه های افراطی، با چوب و چماق در فکر مرعوب کردن دیگران نیستیم، بلکه اصول فکری و عقاید خود را با منطق بیان می کنیم.

نماینده نهضت اضافه کرد: در جواب سؤال شما راجع به پناهندگان ایرانی به آلمان باید بگویم که ما مسائل و مشکلات مالی و اجتماعی شما را درک می کنیم، ولی فراموش نکنید که در زمان حکومت هیتلر و رایش سوم، دو میلیون آلمانی به کشورهای دیگر پناهنده شدند. جوانان ما بخاطر پول و رفاه مادی به کشورهای آزاد جهان روی نمی آورند. در ایران آن ها حتی از بدیهی ترین حقوق انسانی محرومند. کودکان در ایران به جبهه های جنگ فرستاده شده اند. شاید شما این جنگ را، جنگی بین تنها دو کشور ایران و عراق بدانید، اما ما معتقدیم که این جنگ می تواند هر دو قبیله به یک جنگ منطقه ای در خاور میانه یا حداقل منطقه خلیج فارس تبدیل شود.

حتی امکان دارد که پای کشورهای بزرگ به جنگ کشیده شود و ممکن است با شعله ور شدن جاه های نفت در خلیج فارس، بخصوص اقتصاد اروپا در هم بشکند.

نماینده نهضت در پایان سخرانی خود، ضمن تشکر از حاضران اعلام کرد:

۱ - از دولت های دموکرات جهان خواهان خواستاریم نقض حقوق بشر را در ایران محکوم کنند.

۲ - از کشورهای صنعتی جهان مصرا نسه می خواهیم از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی عراق که باعث ادامه جنگ و طولانی شدن عمر رژیم خمینی میشود خود را دریازند.

۳ - از سران کشورهای بازمشترک اروپا انتظار داریم در مرپایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی عراق نقش فعال تری برعهده بگیرند.

۴ - از کشورهای آلمان که ملت آن اثرات شوم یک رژیم فاشیستی را با گوشه ت و پوست خود لمس کرده است می خواهیم تساهل در رابطه خود با جمهوری اسلامی تجدیدنظر کنند.

۵ - از نمایندگان وسایل ارتباط جمعی که در حقیقت وجدان بیدار جامعه هستند تقاضا داریم تا جناحیات رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر افشا کنند.

۶ - از جامعه، بزرگان آلمان فدرال انتظار داریم تا از بزرگان ایرانی که به خاطر حفظ حیثیت حرفه یزشکی بسا رژیم جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند، دفاع کنند.

بیانیه جهاد اسلامی

ما زمان تروریستی جهاد اسلامی، روز (۹ اوت) آزاد شدن گروگان های فرانسوی را به آزاد شدن تروریست های عرب از زندان های اسرائیل، اروپا و کشورهای عربی موکول کرد. ویطسور ضمنی پیشنهاد "تری ویت" نماینده اسقف کاتولیک نبروری، را که روز شنبه (۹ اوت) در نیویورک اعلام گردیده بود رد کرد.

"تری ویت" پیشنهاد کرده بود که مجدداً گفتگوی کلیه گروه های که در لبنان گروگان در اختیار دارند، از سر گرفته شود.

ما زمان جهاد اسلامی در بیانیهای که همراه با عکس "دبید جا کوبسین" یکی از گروگان های آمریکایی برای روزنامه لبنانی "النهار" فرستاده نوشته است:

"شما دقیقاً از درخواست ها و تقاضا های ما با خبرید. بنابراین چرا به راه حلی جدی دست نمی زنید؟"

جهاد اسلامی در بیانیهای که آنان که می گویند پناهنده به بشر دوستانه خواستار آزادی گروگان های فرانسوی هستند، می گوید: اگر واقعاً خواهان اقدامات بشردوستانه هستید باید چنین اقدامی قبل از این که گروگان های فرانسوی آزاد شوند از طریق آزادی مجاهدین ما در زندان های اسرائیل، اروپا و کشورهای عرب صورت گیرد.

جهاد اسلامی در قسمتی دیگر از بیانیهای خود بشدت سیاست فرانسوی و تحویل اسلحه از سوی این کشور به عراق را مورد انتقاد قرار داده است و می گوید: کسانیکه در کنار رمدام حسین رئیس جمهوری عراق قرار گرفته اند، نمی توانند هیچگاه چیزی به بشریت هدیه کنند.

سوریه مرکز تروریسم

نخست وزیر اسرائیل صریحاً اعلام کرد: سوریه بزرگترین مرکز تروریسم در خاور میانه است.

به نوشته روزنامه لوموند جاب باریس، شیمون پرنخست وزیر اسرائیل طی سخنانی کدرموسسه ملی مطالعات استراتژیک در اسرائیل ایراد کرد، مستقیماً دمشق را مسئول دواقدام به بمب گذاری در هواپیما های شرکت آوری کرد که طی این دواقدام تروریستی قرار بود پرواز روز ۱۷ آوریل ال عال از لندن، و پرواز ۲۶ مه شرکت هواپیمایی اسرائیل از اسپانیا در آلمان منفرشوند.

در مورد اول، بمبب که قرار بود در هواپیما منفجر شود قبل از حمل به داخل هواپیما کشف و خنثی شد، و در اسپانیا بمب کسه در چمدانی جا سازی شده بود، در محصل بررسی بلیط ها منفجر گشت و ۱۳ نفر را زخمی کرد.

نخست وزیر اسرائیل گفت: سوریه با این اعمال، خود را در معرض خطراتی قرار می دهد که دولت های حامی تروریسم بین المللی و منطقه ای را تهدید می کند. وی افزود: تمسک زیاد ی سازمان های تروریستی در خاک سوریه متمرکز شده اند و در پی سوریه اخیراً در چند اقدام تروریستی دیده شده است.

لوموند خاطرنشان می کند که این نخستین باری است که نخست وزیر اسرائیل، چنین صریح و آشکارا سوریه را مسئول بمب گذاری در هواپیما های اسرائیل می داند.

در زمان وقوع این حوادث، با آن که وزیر دفاع اسرائیل، اسحق رابین، سوریه را مسئول این وقایع دانسته بود، اما شیمون پرنخست وزیر در لحنی معتدل نسبت به سوریه در پیش گرفته بود.

شیمون پرنخست وزیر اسرائیل گفت: سوریه علیرغم همه تکذیب ها و ردگم کردن هایش همچنان بزرگترین مرکز تروریسم در خاور میانه باقی مانده است.

روزنامه لوموند - ۹ اوت ۱۹۸۶

با آوری می کنیم که با سرعفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین نیز سه شنبه گذشته (۵ اوت) در بغداد اعلام کرد چنانچه دولت فرانسه تقاضا کند آساده است برای آزاد ساختن گروگان های فرانسوی دست به اقدام بزند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اوت ۱۹۸۶

در اردوگاه های ترکیه:

پناهندگان ایرانی و عراقی

اینجا کمپ پناهندگان در مرحله "آجسی با دام استانبول" است که حدود دو بیست و پنجاه نفر پناهنده از کشورهای ایران، عراق، افغانستان، شوروی، رومانی و مجارستان زندگی می کنند. پناهندگان ایرانی بعد از سال ۱۹۷۹ رفته رفته بیشتر شده اند. کشورهای که پناهندگان ما میل اند در درجه اول به آنجا بروند عبارتند از: آمریکا، کانادا، استرالیا در غیر این صورت پناهندگان ما میل اند کشورهای شمال اروپا پناهنده شوند. کارهای اداری و فوراً لیته پناهندگان بطور متوسط ۶ الی ۱۲ ماه طول می کشد ولی استثنا های نیز موجود است، بعضی ها هستند که حدود دو سال است در کمپ زندگی می کنند ولی هنوز واردید ورود برای کشوری دریافت نگرداده اند.

اکثر جوانان پناهنده خواستار ادامه تحصیل می باشند که در کشور خود از آن محروم شده اند. پناهندگان ایرانی و عراقی علیرغم جنگ کشوری در کمال حسن تفاهم کنار هم زندگی می کنند. یک جوان ۱۷ ساله ایرانی در جواب این سؤال که: وقت خود را چگونه می گذرانید؟ می گوید: سعی می کنم کتاب های درسی خود را مطالعه کنم و ضمناً "اکثر اوقات با دوستانم از خاطرات خود صحبت می کنم. تعریف خاطرات گذشته بزرگترین سرگرمی ما است.

مجله: یعنی گوندم. جاب ترکیه

دکتر رزم آرا در مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ

رژیم خمینی و سوگند نامه بقراط

موضوع اعتصاب پزشکان ایرانی همچنان در رسانه‌های گروهی بین المللی مطرح است. در تاریخ ۶ اوت رادیو لوکزامبورگ برشنویده‌ترین فرستنده رادیویی فرانسه زبان، در برنامه خبری ساعت ۸ با مداد خود در همین زمینه، مباحثه‌ای با دکتر منوچهر رزم آرا وزیر بهداشتی کا بینه، دکتر شاپور بختیار، عضو پیشین هیئت مدیره نظام پزشکی ایران و استاد پیشین دانشکده پزشکی به عمل آورد.

مفسر رادیو لوکزامبورگ ابتدا گفت: نمی دانم کلمه "غرب زدگی زدانی" وجود دارد یا نه، اما بهر حال این سخن نظر دارد برای پزشکان ایران تجویز کند.

پزشکان ایران دیگر نمی توانستند بدون توجه به احکام اسلامی، به حرفه خود عمل کنند. اکثریت قریب به اتفاق آنان این امر را نپذیرفته اند و از ده روز پیش در حال اعتصاب بسر می برند. مفسر رادیو لوکزامبورگ افزود: دکتر رزم آرا وزیر پیشین بهداشتی کا بینه، دکتر بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، ارتباط خود را با پزشکان ایران حفظ کرده است و اکنون در مصاحبه‌ای با "کریستین مالار" راجع به اوضاع پزشکان ایران سخن می گوید.

دکتر رزم آرا گفت: مشکلاتی که در ایران برای پزشکان ایجاد شده چند نوع است. نخست این که پزشکان نمی توانند واقعا "اسرار حرفه‌ای خود را حفظ کنند. زخمی‌ها و کسانی که پزشکان و جراحان مراجه می کنند که مخالف رژیم اند، کمیته‌ها و سازمان‌های امنیتی رژیم به پزشکان فشار می آورند تا مشخصات این قبیل بیماران و مجروحان را در اختیار آن‌ها قرار دهند.

کریستین مالار، گفت: آقای دکتر رزم آرا، گفته می شود که پزشکان مردحق معاینه و معالجه بیماران زن را ندارند.

دکتر رزم آرا پاسخ داد: بلی، کلمه "ملا" صحیح است. بویژه متخصصان مرد بیماری‌های زنان حق ندارند با زنان را مورد معاینه قرار دهند.

کریستین مالار افزود: خمینی میگوید چنانچه پزشکان مرد به معاینه زنان ادامه دهند آن‌ها را به فحشا و فسق و فجور یا عملیات جنسی دسته جمعی در بیمارستان‌ها سوق خواهند داد.

دکتر رزم آرا گفت:

گزارش‌های ایران

بقیه از صفحه ۱

گیلان و مازندران مستقیما "به علت کمبود خریدهای برنج وارداتی بود که بخوبی از اول امسال برنج واردی خوراک عمده مردم ایران بخصوص دو استان گیلان و مازندران ناگهان از کیلوئی ۴۵۰ ریال در طی دو ماه به کیلوئی ۷۰۰ ریال افزایش یافت. به اعتراف روزنامه کیهان چاپ تهران رشد غیرعادی بهای برنج به آنجا رسید که سلف‌خرها محصول آبی برنج را کیلوئی ۷۰۰ ریال سلف‌خری می کردند که مطمئنا "با توجه به بهره‌پول - هزینه حمل و نقل و انواع عوارض در آینده نزدیک بهای برنج از مسجوری بیکهزار ریال در یک کیلوخو هذ گذشت. دولت در روز چهارشنبه چهارم تیرماه علی‌رغم سانسور و حشتناک اخبار و اطلاعات اعتراف کرده است که در اقتصاد برای رسیدگی به مسئله کمبود برنج و نان در دو استان گیلان و مازندران تشکیل جلسه داده است. این اعتراف ضمنی از دولتی که سانسور اخبار و اطلاعات را در بهدرا س انگیزی دنبال می کند عظمت و گستردگی فاجعه را نشان می دهد. گرانی برنج سبب شده مردم این دو استان علی‌رغم عادت

بلی. میدانید، این رژیم برای اجرای هدف‌های خود زهریها نسه‌ای استفاده می کند و از انجام هیچ کاری روی گردان نیست. برای این رژیم بسیار ساده است که پزشکان را به هر عمل زشتی متهم کند و این کار را هم کرده است. همچنین پزشکان که حاضر نشده اند شرایط رژیم را بپذیرند و در اعتصاب شرکت کرده‌اند مورد هجوم پاسداران قرار گرفته‌اند.

پاسداران و عمال رژیم به مطب آنها ریخته‌اند، غارت کرده اند و شکسته‌اند، حتی بسیاری از آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار داده اند و سپس به زندان برده‌اند. هیچ بعید نیست که رژیم چند نفر از آن‌ها را نیز اعدام کند.

دکتر رزم آرا افزود: از سوی دیگر انجام وظیفه در حرفه پزشکی در اوضاع بی‌ثبات و درهم ریخته، ایران بسیار مشکل شده است. از یک طرف جنگ پیدا می کند، از طرف دیگر شرایط بهداشتی که حتی در زمان رژیم گذشته‌خالی از اشکال نبود، بسیار وخیم تر شده است. تا بحال بیش از ۸ هزار پزشک ایران را ترک کرده‌اند و هم اکنون با احتساب پزشکان پاکستانی و هندی که رژیم استخدام کرده است حد اکثر بیش از ۱۳ هزار پزشک در ایران باقی نمانده اند. می بینید که شرایط بسیار دشوار است به این مشکلات باید کمبود وسایل و تجهیزات پزشکی و کمبود دارو نیز افزود. دکتر منوچهر رزم آرا در پایان مصاحبه، خود با رادیو لوکزامبورگ گفت: پزشکی حرفه‌ای است که برای آن که بتواند بطور موثر انجام گیرد احتیاج به آزادی عمل در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و حرفه‌ای دارد. و این آن چیزی است که رژیم شدت با آن مخالفت می کند.

چماق علیه

چاقوی جراحی

اعتصاب پزشکان ایران در مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب انعکاس وسیعی یافته است. روز گذشته (۵ اوت) رادیو لوکزامبورگ، یکی از معتبرترین رادیوهای فرانسه زبان اروپا در بخش خبری ساعت ۶ بعد از ظهر خود گزارشی در

باره اعتصاب و وضع پزشکان ایران بخش کرد.

مفسر خبری رادیو لوکزامبورگ گفت: در ایران خمینی زده، چماق علیه جاقوی جراحی بکار افتاده است. رژیم جمهوری اسلامی اکنون متوجه پزشکان شده است و تحت عنوان لزوم رعایت اصول قرآن به تفسیر خمینی، آن‌ها را مجبور می کند به دستوراتی که خلاف حرفه پزشکی است گردن نهند. مثلا "طبق قانون جدید، پزشکان مرد حق معالجه زنان را ندارند. مفسر رادیو لوکزامبورگ آنگاه از روزنامه نگار معروف فرانسوی کریستین مالار، که میهمان برنامه بود پرسید: نظر شما در این باره چیست؟

کریستین مالار، گفت: هم اکنون ۱۳ هزار پزشک ایرانی علیه حکومت مذهبی روح الله خمینی، یعنی دخالت دین در امور ملگتی، بی‌اسخا ستند. این ۱۳ هزار پزشک بخاطر قبول نکردن دستورات خمینی هر لحظه در خطر دستگیری، زندانی شدن و حتی اعدام قرار دارند.

از تاریخ ۲۸ ژوئیه گذشته صدها نفر از آن‌ها از جمله یازده تن اعضاء شورای ملی نظام پزشکی در خانه‌های خود یا بیمارستان‌ها و محل کار، دستگیر شده‌اند. پاسداران رژیم با ضرب و جفاقی و حتی با تهدید ارا برقی، پزشکان را از مطب خود بیرون کرده اند و سپس مطب آن‌ها را غارت کرده و مدارک آن‌ها و پرونده‌های بیماران را به آتش کشیده‌اند. پیام خمینی به پزشکان کلاما روشن است: "یا او میرا اطاعت کنید یا برای حبس و اعدام آماده شوید."

کریستین مالار در رادیو لوکزامبورگ افزود: خمینی به پزشکان مرد متخصصی بیماری‌های زنان می گوید شما دیگر حق ندارید با زنان را معاینه و معالجه کنید. زیرا این عمل ترویج فساد و ترغیب زنان به فحشا محسوب می شود. از این پس تنها پزشکان زن حق معالجه بیماران زن را دارند. که تلاشی غیر ممکن است. خمینی گوید فراموش کرده است که برای ۲۳ میلیون نفر زن ایرانی، یک هزار و ششصد پزشک زن بیشتر وجود ندارد.

از سوی دیگر خمینی از پزشکان می خواهد مخالفان رژیم را که برای معالجه به آن‌ها مراجعه می کنند، به دستگا‌های امنیتی معرفی کنند. از آن‌ها می خواهد که مجازات‌های شرعی قطع انگشت، دست و پا را، در مورد مجرمان اجرا کنند. اما پزشکان ایران در مقابل این خواسته‌ها فریاد مخالفت سر داده‌اند. آن‌ها می گویند امور مربوط به پزشکی کارملایان نیست. ما حاضر نیستیم به نام اسلام خمینی به قرون وسطی با زگردیم. ما اعتصاب خود را تا پای جان دنبال خواهیم کرد.

نسبت به تهران سیاست ساکت نگه داشتن تهران از سوی دولت است.

دولت بخوبی میداند که با سکوت یک سوم جمعیت فعال ایران در تهران - این غول مهیبی است که در صورت بیداری و تحرک یکسره به عمر تکلیت با رژیم خاتمه خواهد بخشید. به همین دلیل کلیه امکانات موجود دولت در درجه اول، علی‌رغم مدعای دولت که تمام توجهش به روستاهاست، در تهران و حومه متمرکز شده است. کمبود بسیاری از کالاهای ضروری نظیر ما بون، پودر لبا شوئی - دارو، چندانم زودتر در شهرستان‌ها آشکار شده بود. در زمینه کمبود گوشت غیر از تنگنای ارزی و عدم قدرت خرید گوشت وارداتی از سوی دولت، صدور هزاران راس گوسفند به خارج از کشور در برنامه تشویق صادرات است.

آقای منتظری در خطابه معروف خود در برابر روزنامه نگاران خودی که کلاما از موضع ضعف و نگرانی ایراد کردند در زمینه مصرف گفت به مردم تذکر بدهید "با با جانان نه بیخا ل و نه فریبزر داد شدند، فلاسک هم نداشتند، این تشریفات را نداشتند". آقای منتظری ظاهرا "به عقل ناقص خود استفاده از ساده‌ترین دستا وردهای عصر صنعتی و تمدن شهرنشینی را "تشریفات" قلمداد کرده است.

قلمرو خصوصی

خوئینی‌ها!

بقیه از صفحه ۱

روز دیگر طبل و دهل موسوی خوئینی‌ها آن را خنثی کند.

موسوی خوئینی‌ها با اشاره به اعتصاب پزشکان، حرکت اعتراضی اخیر پزشکان را یک حرکت سیاسی بعنوان رودر روی با نظام جمهوری اسلامی توصیف کرد و گفت: ما با این مسئله برخورد جدی می کنیم و اینکه مد یادویست پزشک از کشور خارج شوند، برای ما هیچ اهمیتی ندارد.

موسوی خوئینی‌ها ضمن اشاره به مطبوعات جمهوری اسلامی که همیشه یکنواخت و شبیه هم است، خواست که روزنامه‌های دولتی کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی با توجه به کمبود کاغذ یکی شوند و اضافه کرد که روزنامه‌های ما گرفتار خودسانسوری شده‌اند و حرفی برای خوانند در روزنامه‌ها موجود نیست.

موسوی خوئینی‌ها، عوام فریبانه روزنامه‌ها را سرزنش می کند که چرا از عملکردهای مراجع و دستگا‌های جمهوری اسلامی انتقاد نکرده‌اند. جالب اینجاست که روزنامه جمهوری اسلامی چند روز بعد در سرمقاله خود به داستان جمهوری اسلامی پاسخ می دهد: "ما انتقاد کرده ایم، شما نخواهید! خودسانسوری هم نکرده ایم!" و به

گفته موسوی خوئینی‌ها ایراد گرفته است که چرا باید روزنامه‌ها یکی شوند، و بالاخره اظهار نظر کرد: آیا چنین پیشنهادی مفهومی این نیست که این روزنامه‌ها اکنون توسط دولت کنترل می شوند؟ آیا این متهم کردن دولت به سانسور روزنامه‌ها نیست؟

روزنامه جمهوری اسلامی در همین سرمقاله می افزاید: "آقای دادستان کل کشور خوبست بدانند که نویسندگان، خبرنگاران و مسئولان روزنامه جمهوری اسلامی این سخن ایشان را یک اهان‌ت آشکاره خود تلقی می کنند و انتظار دارند ایشان ضمن آنکه احترام به تصحیح اظهارات خود می کنند، از این پس بجای این گونه اظهار نظرها وقت گران بهای خود را صرف رسیدگی به اوضاع نه چندان خوب کشور قضا می کنند که تاکنون بیش از آنکه شاهد عمل باشد، شاهد شعرا ربوده است..."

سقوط یک میراژ

بر فراز آصفهان

یک فروندها پیمای متجاوز عراقی از نوع میراژ صبح امروز بر فراز منطقه آصفهان هدف قرار گرفت و سرنگون شد. مقامات نیروی هوایی کشور ضمن تأیید این خبر اعلام کردند تلاش برای یافتن لاشه هوا پیمای با استفاده از هلی کوپتر در منطقه آغاز شده است. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی صبح امروز (۱۱ اوت) چند هوا پیمای متجاوز عراقی به آسمان منطقه آصفهان تجاوز کرده و یک واحد صنعتی در حومه این شهر را بمباران کردند. در جریان این بمباران ضمن وارد شدن خسارات جزئی یک آتش سوزی روی داد که بلافاصله توسط مأمورین آتش نشانی مهار شد. در جریان این حمله دوتن از هموطنانمان شهید و شانزده تن نیز مجروح شدند. بر اساس این گزارش یک فروندها پیمای هوا پیمای مهاجم عراقی از نوع میراژ بهنگام ترک آسمان منطقه هدف آتش پرچم پدافند مستقر در منطقه قرار گرفت و سرنگون شد. از سرنوشت خلبان این هوا پیمای عراقی تاکنون اطلاعی نرسیده است.

رادیو جمهوری اسلامی - ۱۱ اوت

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸



ریگان نفوذ ناپذیر

بخشی از روزنامه نگاران امریکایی آفای ریگان را " رئیس جمهور نفوذ ناپذیر " لقب داده اند. ریگان، این لقب را بیهوده کسب نکرده است، چرا که در واقع، هیچ چیزی او را تحت نفوذ قرار نمی دهد، نه تهدیدهای اخیرها در امریکه مرگ را گردسر سه گروگان اسیر در لبنان بگردش در آورده اند، نه سنوار ویدئوی ترجمان نگیز یکی از گروگانها که گشیش " لاورنس جنکو "، گروگان آزاد شده با خود آورده و اخیراً از تلویزیون بخش شده است، و نه تقاضاها و درخواست های مصرانه و مکرر خویشان گروگان ها و نما بندگان کنگره.

لوما تن می نویسد:

هیئت حاکمه امریکا هیچگونه تغییری نکرده است. ریگان می گوید: " مانده زیر بار هیچ معامله ای می رویم، ونه امتیازی می دهیم."

پیام شفا می روز جمعه ریگان به گروگان گیران، صریح و خالصی از هرگونه سازشی بود.

ریگان در ملاقات با پدرو جنکو در کاخ سفید صریحاً " به وی گفت که برای آزاد سازی گروگان ها همچنان نرسد خداوند " دعا خواهد کرد "، اما او مسئولیت هر عقوبتی را که از این سازش ناپذیری حاصل آید از عهده خود ساقط کرده است. او در طی یک سخنرانی گفته است: " من به نام صلح و عدالت اعلام

می کنم که اکنون زمان آن رسیده است که به کارگروگان گیران و حامیان آنان پایان داده شود."

این گفته نشان دهنده موضع محکم و نفوذ ناپذیر بخشی از مقامات حاکمه امریکای است. رونا لدریگان و دستیارانش، بدست یا به نام درست برای عقیده اند که حل مسئله گروگان ها به دست سوریه و پیرزیدنت حافظ اسد است. سوریه می تواند با استفاده از امکانات خود چها در امریکای را تحت فشار بگذارد و گروگان امریکایی را آزاد سازد.

پدرو جنکو که خود آورنده پیام جهاد اسلامی برای ریگان بوده است، و کاخ سفید، محتوای پیام مزبور را هنوز فاش نکرده اند.

مضمون این پیام ظاهراً " با پدنا کیدی دوباره بردار خواست های گروگان گیران ونوعی تکرار " آخرین هشدار " باشد که گروگان گیران روز شنبه در لبنان اعلام داشتند.

از نظر همکاران ریگان، آزاد سازی پدرو لاورنس جنکو نشانه کوتاه آمدن گروگان گیران است که خواسته اند با آزاد سازی وی و بادعای انگیزه های " انسان دوستانه " حفظ هر کنند...

لوما تن - ۵ اوت

تهران - مسکو

سفر يك هیأت ایرانی به شوروی

به گزارش خبرگزاری تاس یک هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی به سرپرستی جواد لاریجانی، معاون وزارت امور خارجه در امور اقتصادی و بین المللی روز یکشنبه سوم اوت برای انجام یک بازدید رسمی وارد مسکو شد.

به گفته خبرگزاری تاس این بازدید به منظور ایجاد توافق های مشترک و مشورت درباره مسائل بین المللی و مذاکره درباره روابط اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی، انجام شده است.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی در این زمینه می نویسد:

مقامات شوروی از زمان سقوط شاه تاکنون همواره میل داشته اند که علی رغم اعلام ممنوعیت فعالیت های حزب توده از سوی رژیم مامخمینی، روابط خود را با این رژیم حفظ کنند.

ماه فوریه گذشته نیز آقای گشورگیسی کورنینکو، معاون اول وزارت امور خارجه اتحاد شوروی بازدید از ایران بعمل آورده بود.

مقامات کرملین در عین حال میل ندارند در جنگ ایران و عراق نقش یا شرکتی داشته باشند.

روزنامه های روسیا، ارگان دولتی شوروی بتازگی در این باره نوشته است: " این جنگ نه به سود ایران و نه به نفع عراق است. بلکه تنها وحدت نیروهای ضدا مپریالیستی را از میان می برد و بر اقتضای ددو کشور تاء ثیری منفی دارد."

خبرگزاری فرانسه می نویسد:

اتحاد شوروی به عراق اسلحه می دهد ولی کمک های نظامی خود را به رژیم

تهران که به ویژه به صورت تربیت خلبان های جنگی است، در برده نگاه می دارد. بنظر می رسد که تکرانی مسکو در مورد دخالت های جمهوری اسلامی در امور داخلی افغانستان که این روزها وسعت یافته است، بیش از پیش شدت گرفته است.

از سوی دیگر، سخنگوی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی روز دوشنبه چهارم اوت در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو اعلام کرد که دو کشور موافقت کرده اند تا تکنیسین های شوروی که سه سال گذشته به دلیل خطرهای ناشی از جنگ ایران و عراق، ایران را ترک گفته بودند، به این کشور بازگردند. آقای لاریجانی در این سفر با گرومیکورثیس جمهوری و شوارنا دزه وزیر امور خارجه شوروی دیدار و گفتگو کرده است.

خبرگزاری فرانسه - ۴ اوت ۱۹۸۶

تلفن خبری

همه بینان عزیزا

هر روز تلفن خبری نهفت

مقامت ملی ایران

از ساعت ۱۱ صبح شمارا

در جریان آخرین خبرهای

ایران و جهان قرار

می دهد.

شماره تلفن:

۸۵-۸۵-۲۶-۴۳ پاریس

واقع بینی

بدنبال اظهارات هاشمی رفسنجانی به غلامرضا حدادی کاردار جمهوری اسلامی در فرانسه، مبنی بر این که " فرانسه چنانچه خواستار بهبود روابط با جمهوری اسلامی است باید واقع بین تر باشد "، روزنامه لوما تن چاپ پاریس نوشت:

آیا با دیدگر عادی شدن روابط فرانسه و جمهوری اسلامی درین بست قرار گرفته است؟ آیا سخنان هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که به عنوان مرد شماره ۲ ایران از او نام برده می شود مبنی بر این که فرانسه باید " واقع بین تر باشد " ناشی از اختلافات متعددی است که درباره مذاکرات تهران - پاریس بین سران جمهوری اسلامی وجود دارد یا وی قصد داشته است با این سخنان به رهبران فرانسه هشدار دهد که وضع مذاکرات از نظر جمهوری اسلامی رضایت بخش نیست؟

لوما تن می نویسد: سخنان رفسنجانی یک هفته بعد از سفر هیئت فرانسوی به تهران برای مذاکره درباره اختلافات مالی دو کشور ظاهر می شود. بنا بر این پیداست که پنج بار دیدار در ماه گذشته و سفر علیرضا سعیری معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی به فرانسه، نتوانسته است هنوز راه حلی برای بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری ایران بیابد.

دولت شیراک، منظور عادی سازی روابط با جمهوری اسلامی، مجاهدین را روانه عراق کرده اند که بعد دو گروگان فرانسوی در لبنان آزاد شدند، اما هنوز مسائل متعددی بین دو کشور وجود دارد. از جمله مسئله فروش اسلحه فرانسوی به عراق و مسئله آزادی " نیس نقاش " رئیس تروریست ها می که قصد داشتند شاپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را به قتل برسانند.

لوما تن - ۵ اوت ۱۹۸۶

اجلاس اوپک

توافق نا فلگیر کننده

سیزده کشور عضو اوپک سرانجام روز ۴ اوت پس از ۸ روز مذاکرات مشکل و پیچیده توافق کردند که برای جلوگیری از کاهش بهای نفت، به مدت دو ماه تولید خود را کاهش دهند.

بر اساس این موافقت نامه تولید کل اوپک که به ۲۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود، به ۱۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد یافت. به گفته منابع مطلع نزدیک به اوپک عراق خارج از موافقت نامه فعلی قرار داد و مجبور نیست سهمیه تولید سابق خود را که معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز بود را بکشد. در این حال غلامرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی گفت: " با وجود این عراق نمی تواند بدیش از سقف کل اوپک تولید کند، زیرا ما خود، تولید نفت عراق را کنترل خواهیم کرد. " وی توضیح داد که چگونه تولید نفت عراق را کنترل خواهد کرد. سهمیه تولید نفت ایران بر اساس این موافقت نامه ۲ میلیون و سیصد هزار بشکه در روز تعیین شده است. چنانچه عراق همچنان سطح تولید فعلی خود را که معادل یک میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه در روز است حفظ کند تولید کل اوپک به حدود ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه می رسد که با از تولید قبلی روزی ۲۰ میلیون بشکه کمتر است.

قبل از اعلام موافقت نامه مذکور، به بهای نفت خام تکرزاس بیش از ۱۵ درصد افزوده شد و به بشکه ای ۱۳ دلار و ۴۹ سنت رسید.

خبرگزاری فرانسه - ۵ اوت ۱۹۸۶

افزایش بهای نفت

بدنبال موافقت نامه کشورهای عضو اوپک در ژنو مبنی بر کاهش تولید نفت خود، بهای نفت " برنت " دریایی شمال، صبح سه شنبه ۵ اوت در لندن بطور محسوسی افزایش یافت و از ۱۰ دلار در تاریخ ۴ اوت به بیشک ۱۲ دلار برای تحویل در ماه سپتامبر رسید.

قبل از کنفرانس ژنو، در تاریخ ۲۳ ژوئیه بهای نفت برنت به پایین ترین حد خود از زمان استخراج آن یعنی، بشکه ای ۸ دلار و ۵۰ سنت رسیده بود.

در باره رنویورک در آخر وقت روز پنجشنبه اوت بهای نفت که ناگهان بالا رفت به بود قدری کاهش یافت. بهای نفت " وست تکرزاس " که معیار بهای نفت در امریکاست با مداد روز پنجم اوت به ۱۵ دلار و ۵۵ سنت رسید اما آخر وقت همین روز با اندکی کاهش ۱۵ دلار و ۴۰ سنت معامله شد. بسیاری از کارشناسان نفتی معتقدند دوران نفت زیر بشکه ای ده دلار فعلاً سپری شده است.

کارشناس یکی از مؤسسات پیش بینی بهای نفت در نیویورک اظهار داشت تا قبل از پایان سال جاری بهای نفت مجدداً به بشکه ای ۲۰ دلار خواهد رسید.

خبرگزاری فرانسه - ۶ اوت ۱۹۸۶

مواضع شرق و غرب

شرق و غرب از جمهوری اسلامی و عراق خواستند که هر چه زودتر به جنگ خلیج فارس پایان دهند.

روز گذشته ۵ اوت ایالات متحده از جمهوری اسلامی خواست تا دست از جنگ بردارد. ایالات متحده از پاسا سنج منفی جمهوری اسلامی به درخواست صلح بغداد که روز شنبه ۴ اوت در نامه سرگشاده صدام حسین خطاب به رهبران رژیم تهران عرضه شده بود، اظهار تاسف کرد.

چارلز ردمن، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا اظهار داشت: " ما خواستار راه حلی صلح آمیز برای پایان دادن به جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق هستیم.

مخالفت رژیم تهران با تقاضای صلح اخیر صدام حسین آخرین نشانه آشتی ناپذیری این رژیم در این جنگ است.

وی افزود که: ما همچنان امیدواریم که جمهوری اسلامی درباره ادامه دادن به جنگی که تاکنون برای هر دو کشور سخت گران تمام شده است، تجدیدنظر کند.

یادآوری می شود که رژیم تهران پیشنهاد صلح صدام حسین را رد کرد و تاکید کرد که تا سرنگونی رژیم وی جنگ ادامه خواهد داشت.

روز گذشته ۵ اوت انگلستان به نام با زار مشترک اروپا که خود ریاست آن را بر عهده دارد، از جمهوری اسلامی و عراق خواست تا مانع گسترش جنگی شوند که ۶ سال است ادامه دارد.

بنا بر اطلاعیه با زار مشترک " ۱۲ کشور عضو با زار مشترک اروپا از افزایش تعداد دوشدت حملات دور رژیم جمهوری اسلامی و عراق به یکدیگر و بیرون بردن در مناطق مسکونی و شهرها سخت نگران اند. با زار مشترک از دو طرف خواسته است تا حملات کور خود را به شهرها پایان دهند و هر چه زودتر از خونریزی های موجود دست بردارند.

خبرگزاری فرانسه - ۶ اوت ۱۹۸۶

رادیو ایران ساعت های بخش برنامه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه ردف های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵ کیلو هرتز)، ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ یا ۹۵۹۲ کیلو هرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلو هرتز).

برنامه دوم

ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه ردف های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلو هرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلو هرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه ردف های ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلو هرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلو هرتز).

فرهنگ ایران

افشین و بودلف

دکتر محمد جعفر نجیب

داستانی جذاب از تاریخ بیهقی

گفتم : اللہ اللہ یا امیرالمؤمنین که این خونگی است ناحق ... گفت همچنین است که تومی گویی ... اما کار از دست من شده است که افشین دوش دست من بگرفته است و عهد کرده ام به سوگندهای گران کسب اورا از دست افشین نستانم و نفرمایم (= دستور ندهم) که اورا بستانند . گفتم : یا امیرالمؤمنین این درد را درمان چیست ؟ گفت :

... جز آن نشناسم که تو هم اکنون نزدیک افشین روی ... و به تضرع و زاری پیش این کار با زشوی ، چنان کسمه البته به قلیل و کثیر از من هیچ پیشانی ندهی تا مگر (= شاید) حرمت تو نگاه دارد و دست از بودلف بدارد و وی را تباہ نکند ... پس اگر شفا عت شو ردکنند ، قضا کار خود بگرد و هیچ درمان نیست .

احمد گفت : من چون از خلیفه این بشنودم عقل از من زایل شد و یا زکشم و بر نشستم (= سوار شدم) و تنی چندا ز کسان من که رسیده بودند با خود بردم ، و اسب تا ختن گرفتم چنان که ندانستم که در زمین من دیرتر آسمان و روز نزدیک بود اندیشیدم که میباید من دیرتر رسم و بودلف را آورده باشند و کشته ... چون به درستی افشین رسیدم حایجان وی به عجله پیش من دویدند بر عادت گذشته ، و ندانستند که مرا به عدری با زبیا بگردانید که افشین راست نا خوش آید در چنان وقت آمدن من ... مرا به سرای فرود آوردند ... و من قوم خویش را گفتم تا به دهل بزنند و گوش به آواز من دارند .

چون میان سرای رسیدم ، یافتم افشین را بر گوشه ای (صدر) = بالای مجلس) نشسته ، و نطقی (بساط چرمین که برای کشتن محکومان به کار می رفته) پیش وی فرود مفسه ، با زکشیده ، و بودلف به شلواری ، و چشم بسته آن جا بنشاند ، و سیاف (= جلا) منتظر آن که بگوید : ده (= بکش) تا سرش ببندد از زد .

چون چشم افشین بر من افتاد ... از خشم زرد و سرخ شد و برگ ها از گردنش برخاست . عادت من با وی چنان بود که چون نزدیک وی شدمی ، برابر آمدی ، و سر فرود آوردی چنان که سرش به سینه من رسیدی ، این روز از جای برخاست و توهینی بزرگ کرد . من از آن نیندیشیدم ... و بوسه بر روی وی دادم و بنشستم ... در من سنگریست . من بر آن سرگردم و جدی پیوستم (= سخنی گفتم) تا اورا بدان مشغول کنم مبادا که سیاف را گوید شمشیر بران . البته سوسوی من سنگریست ... از طرزی دیگر سخن پیوستم ستودن عجم را که این مردک از ایشان بود ، و عجم را شرف بر عجم نهادم ، هر چند دانستم که اندران گناهی بزرگ است ... سخن شنیدم ... گفتم یا امیر خدا مرا فدای تو کناد ، من از بهر قاسم عیسی (= ابودلف) آدمم ... تا وی را به من بکشی ... به خشم گفتم : بنخشیدم و بنخستم ، که وی را امیرالمؤمنین به من داده است و دوش سوگند خورده که در با وی سخن نگوید تا هر چه خواهم کنم ... من با خود گفتم : یا احمد ، سخن تودر شرق و غرب روان است و تواز چنین سگی استخفاف (= سبک کردن) کنی ؟ با زدل خوش کردم که هر خوارگی که پیش آید بیاید کشید از بهر بودلف را ...

برخاستم و سرش را بیوسیدم و بی قراری کردم ، سود داشت ، با ردیگر گفتش بوسه دادم ، اجابت نکرد ، و با زبانه دستش آمدم و بوسه دادم ، و بدید که آهنگ زانو دارم تا بیوسم . از آن پس به خشم مرا گفتم :

... تا کی از این خواهی بود ؟ به خدای که اگر هزار بار زمین را بیوسی هیچ سود ندارد ...

دل تنگی و خشمی سوی من شتافت و با خود گفتم : این چنین مرداری و نیم کافری بر من چنین استخفاف می کند ... مرا چرا با بد کشید ؟ از بهر این آزاد مرد بودلف خطری بکنم ، هر چه با داباد ، و روادارم که ... به من هر بلایی رسد . پس گفتم :

... ای امیر ، مرا از آزادی آن چه آمد گفتم و کردم و تو حرمت من نگاه نداشتی ، و دانی که خلیفه و بزرگان درگاه وی ، چه بزرگ تروچه خرد ترا تو مرا حرمت دارند ، سیاست خدای را که تورا منت در گردن من حاصل نشد . اکنون پیغام امیرالمؤمنین منین بشنو : می فرماید که قاسم عیسی را کشت و تعرض بکن و هم اکنون به خانه با زفرست که دست توازوی کوتاه است و اگر او را بکشی شورا بدل وی قصاص کنم !

چون افشین این سخن بشنید لرزه بر اندام او افتاد ... و گفت : این پیغام خداوند به حقیقت می گزاری ؟ گفتم : آری ، هرگز نشنوده ای که فرمان هکسای اورا برگردانیده ام ؟ و آواز دادم قوم خویش را که در آید . مردی سی و چهل در آمدند . ایشان را گفتم : گواہ باشید که من پیغام امیرالمؤمنین منین معتمد می گزایم بر این امیرالمؤمنین افشین ، که می گوید : بودلف

وی گاه در ضمن تاریخ ، برای تنوع ، یا عبرت گرفتن خواننده یا پند و اندرز ، یا اظهار رهنر خویش ، از حوادث روزگاران گذشته ، به مناسبت موقع داستانی را نقل می کند ، وی به دستا و بیزهای از این گونه " که کتاب ، خاصه تاریخ ، با چنین چیزها خوش باشد ، که از سخن سخن می شکافد تا خوانندگان را نشاط افزاید ... " با هنرمندی و مهارتی خاص خویش به منحه آرای داستانی می پردازد و پس از شرح آن با زیر سر " تاریخ را ندان خویش می رود . آنچه برای خوانندگان گسترایی برگزیده ایم یکی از همین داستانها ، " حکایت افشین و خلاص یافتن بودلف از وی " است . این افشین شاه زاده ای است از نواحی دوردست خاور ایران ، از نواحی سغد و سمرقند ، از محلی که آن را اسروشنه گویند . وی از دوست به دشمن روی آورده و وقتی تمام سرداران عرب از مقابله با خرم دینان و ستردار رسیدن با یک عاجز آمدند ، وی از جاه طلبی و به سودای دست یافتن به مال و مقام در برابر خرم ، دستگیری با یک رابرهده گرفت و به آذربایجان رفت و - شاید با فراموشی خود به صورت دوستی متفق - با یک را دستگیر کرد و به بغداد آورد و به دست جلاهد سپرد . به گفته بیهقی آن روز افشین چون از جنگ با یک خرم دین فارغ شد " و فتح برآمد و به بغداد رسید ، معتمد ... فرمود ... چنان با یک چون افشین به درگاه آید همگان اورا از اسب پیاده شوند و در پیش او بروند تا آن گاه که به من رسید . " و وزیر معتمد حسن بی ساهل با آن بزرگی که اورا بود در رکاب وی پیاده می آمد چاش اورا دید که می رفت و پای های افشین در هم می آویخت ، بگریست و حسن بدید و چیزی نگفت . اما دشمن هرگز دوست نشود . سخنان خلیفه را در حلق افشین در این داستان خواهد خواند . اما آنچه در این داستان نیامده این است که افشین سرانجام مزد این خدمت را از خلیفه گرفت . اورا به تهممت بی دینی و زندیق بودن فرو گرفتند و به خوارگی تمام کشتند . در این داستان مردی عرب نژاد است که خلیفه اورا به دست افشین که دشمن خوئی او بود باز داده بود . احمد قاضی خلیفه به طرزی شگفت در راهی وی می کوشد . در ضمن این داستان نمونه هایی از خصومت و تشاد عرب و عجم و نژاد پرستی ، عربان ، و شگفت تر از همه ، برتری نهادن بیهقی عرب را بر عجم ، خواهد دید . اما جالب توجه تر از همه استادی و مهارتی است که بیهقی در پردازش و آرایش صحنه های گرم و پرهیجان و شگفت انگیز این داستان به کار برده است . این شما و این داستان " افشین و بودلف " .

در طی این گفتارها در مقام رده بندی متن های نثر فارسی از نظر شهرت و محبوبیت گفته بودیم که گلستان سعدی مرتبه نخست و کلیله و دمنه بهرام شاه مقام دوم را در رندوسومین درجه را گروهی از چاهار مقاله و جماعتی از آن تاریخ بیهقی می دانند . اگر چه مقاله مقاله از نظر فصاحت و زیبایی نثر با اثر جاب و میدان خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر پهلوزند ، باری از نظر فواید تاریخی و اجتماعی نه آن کتاب ، که هیچ کتابی در میان متن های تاریخی و ادبی طرف نسبت و قابل مقایسه با این اثر گران مایه نیست . کتاب بیهقی دارای بیست و چهار مجلد بوده ، و ظاهراً " مؤلف در پایان عمر توفیق یافته بوده است که نامه لیفا این اثر کوپیکر را به پایان آورد و تمام این ۲۴ جلد در شرح فرمان روایی و تاریخ روزگار حکمرانی سلسله غزنوی است که دوران اوج قدرت ایشان بیش از پنجاه سال ، یعنی روزگار امیری محمود و مسعود نسبت و سایر امیران این سلسله بسا قوی روزگار خود را به صورت فرمان روایی درجه دوم خراج - گزار و زیر دست سلجوقیان بوده اند . بیهقی به گفته خود شرح حوادث تاریخ را از سال ۴۰۹ هجری قمری آغاز کرده و به سال ۴۷۰ در گذشته است و اگر تاریخ را تا آخرین سال زندگی خویش نیز ادامه داده باشد این ۲۴ جلد مربوط به کمتر از ۶۱ سال خواهد شد . در نتیجه می توان حدس زد که وی در کار نگارش تاریخ خویش تا آن جا که ممکن بوده به ذکر جزئیات حوادث پرداخته و اسناد و مدارک تاریخی ، نامه ها ، عهدنامه ها ، بیگنامه های کتبی ، نامه های خصوصی به انشاء کاتبان و وزیران و شاهان و ممتن سخنان ایشان را در کتاب خود آورده و گاه حوادث را به قید ساعت و روز و سال و ماه شرح داده است . افسوس که آنچه از این تاریخ بزرگ و بی نظیر و ما قفا ندر دست داریم ، بخشی از جلد پنجم ، جلد های ششم تا نهم و قسمتی کوتاه از جلد دهم ، یعنی کمتر از پنج جلد است و باقی آن به تاریخ حوادث رفته و صفحاتی بسیار معدود از آن ها در کتابها و مسددا رک ادبی و تاریخی بعدی نقل شده است .

این تاریخ بیهقی که در دست ماست از شرح حوادث پس از مرگ سلطان محمود (۴۲۱) آغاز می شود و به شکست فاحش پسرش مسعود از سلجوقیان در دنداندانق - نغان مرو (۴۲۱) با یان می یابد . تاریخی که آخرین چاپ آن در ۹۴۵ صفحه در مشهد انتشار یافته ، شرح حوادثی است که در کمتر از ده سال رخ داده است . بیهقی در عین حال مورخی بسیار رتفه و امین است . می گوید تا حد مقدور فقط حوادثی را که خود شاهد آن بوده است شرح دهد ، و خود را و نیز عمری در دستگاه دبیرخانه محمود و مسعود و فرزندان ایشان گذرانیده است ، و آن را با اسناد و مدارکی که برای نوشتن این تاریخ از ابتدای کار خویش تهیه می کرده ، و رونوشتی از نامه ها برای خود بر می داشته است . مورد تایید قرار دهد . در درجه دوم مطالب را از کسان نقل می کند که به راست گویی و فضل ایشان مطمئن است و مقام هریک را برای خواننده نیز می نویسد . مثلاً : " و من که این تاریخ پیش گرفته ام ، التزام ... بکرده ام تا آنچه نویسم یا از معاینه (= مشاهده) من است یا از شماع درست از مردی ثقه (= مطمئن) ، و پیش از این ... کتابی دیدم به خط استاد ابوریحان ، و او مردی بود در ادب و فضل و هندسه و فلسفه ، که در عصر او ، چون او دیگری نبود ، و به گزاف چیزی ننوشتی ، و این دراز از آن دادم تا مقرر گردد که من در این تاریخ چون (= چگونه) احتیاط می کنم . "

بیهقی می دانند که بیشتر مردم خواستار اسناد و مدارک و قصه های پر لاف و گزاف و بی پایه اند و عده دوستداران حقیقت بسیار کم است . با این حال وی برای ایمن گروه اندک ، کتاب می نویسد : " و کتاب همچنان است که هر چه خواننده آید از اخبار که خرد آن را ندانند ، شنونده آن را با و درآورد ، و خردمندان آن را بشنوند و فرستادند . و بیشتر مردم آنند که باطلی معتمد را دوست تدارند ، چون اخبار دیو و پری و غول بیابان و کوه و دریا ، که حقیقی هنگامه سازد (= معرکه بگیرد) و گروهی همچون او (= حتم) گرد آید و وی گویند در فلان دریا جزیره ای دیدم ، و با نصدتن چایی فرود آیدم در آن جزیره ، و نا ن پختیم و دیگر ها نهادیم . چون آتش تیز شد و تیش (= حرارت) بدان زمین رسید از جای برفت ، نگاه کردیم ماهی بود و به فلان کوه چنین چنین چیزها دیدم ، و پیرزنی جاساد و مردی را خر کرد ، و با زپیرزی جا دوگوش اورا به روغنی ببیند و تا مردم گشت ، و آنچه بدین مانند ... که خواب آرد نادان را ، چون شب برایشان خوانند . و آن کسان که سخن راست خواهند تا با و درآوردند ، ایشان را از نادانیان شمرند ، و سخت اندک است عیب ایشان ... و بیهقی برای این گروه اندک می نویسد .



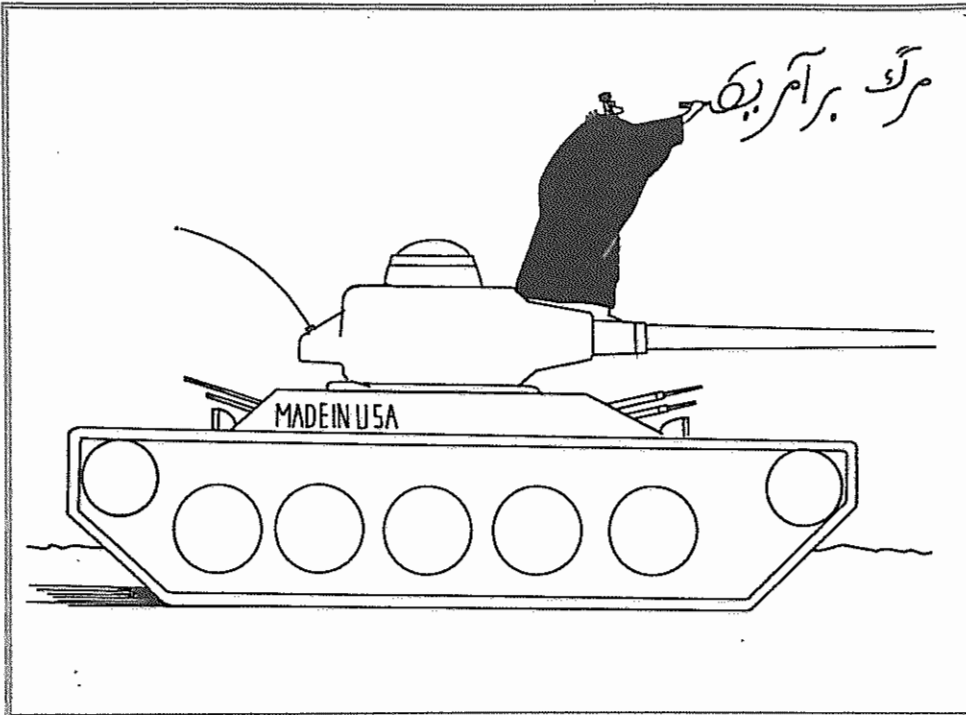
هوشنگ وزیری

آیت‌الله، امروز خطرناک‌تر از دیروز

بتا زگی در خبرها بود که ملکه الیزابت در لندن ورونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا دروا شنگتن، مورد معاینه پزشکی قرار گرفته اند. در هر دو مورد، پزشکان اعلامیه صادر کرده مردم را از وضع جسمانی سران کشورها پیشان مطلع کرده اند. صدور اطلاعیه‌های نامبرده مسلمانان برای ارضاء حس کنجکسواوی مردم نیست، بلکه جوابگوئی به این نیاز و این حق مسلم مردم است که بدانند آنان که بر کشورشان سلطنت یا حکومت می کنند، تندرست هستند یا نیستند. آیا می توانند امور مملکت را بدرستی بگردانند یا نمی توانند. مردم می خواهند بدانند، حق نیز دارند که بدانند، سرنوشتشان در دست چه کسانی است.

ملکه انگلیس، هر چند که وظایف بیشتری تشریفاتی دارد، اگر در یاد کسیه نخواهد توانست از عهده تکالیفی که بر اوست، برآید، حتما " اصرار نخواهد ورزید که در مقام خود باقی بماند. این واقعیت دربار ره رئیس جمهوری آمریکا بیشتر صادق است. زیرا او فقط وظایف تشریفاتی ندارد. قدرتی که در دستهای رئیس جمهوری آمریکا متمرکز است، در هیچ کشور دموکراتیک برای هیچ کس وجود ندارد. ولی قدرت او قدرت مطلق نیست. قانون اساسی آمریکا مکان یک کنترل دموکراتیک را از راه های گوناگون فراهم آورده است. به نحوی که او نمی تواند به هر جا که خواهد، بپردازد. کشورش را به هر سو که خواهد، بکشد. ارگان های قانونگذاری، دادگستری، مطبوعات در رهگذر این کنترل دموکراتیک فقط چند نمونه هستند. آنچه بر نیکسون رئیس جمهوری پیشین آمریکا، در ماجرای واترگیت رفت، کافی است تا مرزها و محدودیت های قانونی بالاترین مقام آن کشور و به معنی نیرومندترین مرد جهان را از حیث سیاسی، نشان دهد. مثال ملکه الیزابت و رئیس جمهوری آمریکا دوم نمونه در دو کشور آزاد جهان اند. اما حتی مردم کشورهای بوسگسلاوی و سرزمین آسیای میانه در زمان فروتنی و حق داشتند از وضع مزاجی کسانی که بر آن ها حکم می راندند، با خبر باشند. بروی جسمانی چرنوکی و آندروپوف نیز پرده اسرار چندان کلفت نبود که نتوان به پشت آن

هوس های بلند پروازانه خود بسود، می خواست با ارتشی که هرگز با او سازگار نبود، و سپاهی که با شتاب سرهم بندی کرده بود، رویای های جاه طلبانه اش را تحقق بخشد. اما امروز بدان سبب که قوای عقلی و فکریش روز به روز بیشتر تحلیل می رود، با زیچه دست قدرت هائی نیز شده است که بیشترین سود را از این جنگ خانما نسوز می برند. اگر این بازی تا زه ای که در موضوع نفت صورت گرفته است، کاملاً روشن شود، آنگاه روشن خواهد شد که او یک نیز به دست خمینی متلاشی شده است. به یاد داری که برای قانع کردن عربستان سعودی و کویت تا از سقوط آزاد بهای نفت جلوگیری کنند. چه ما موریت ها و مسافرت ها در سطوح گوناگون انجام گرفت. اما این دو کشور را درکننده نفت حرف هیچ یک از دوستان و نزدیکان خود



خمینی، از آن روز که میهن ما را به ادا مه این جنگ ویرانگر و خونریز کشا نید، شاید هنوز می دانست چه می کند و به کجا می خواهد برود. ولی گزارش های پزشکی که از منابع مستقل گوناگون به دست می رسد، حکایت از آن دارد که او را باید در ردیف بیماران روانی آورد که به مسئولیت کارهای خود، آگاه نیستند. اگر در میان گروه های حاکم کنونی، شخصی یا دسته ای وجود داشت که می توانست آیت الله را سر جای خود بنشانند، شاید می شد درباره راه حلی از درون رژیم بحث کرد. ولی پیدا شدن چنین کسی یا گروهی ناممکن و نامحتمل است. آیت الله خمینی یک روز با زیچه هوا و

زاگوش نکردند، بلکه منتظر ماندند تا به پیشنهاد دغلامرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی، گردن نهند! عجیب نیست؟ اما آیت الله اگر امروز نیز مانند دیروز نمی تواند پیروزی ای بدست آورد، ولی کمتر از دیروز در تصاحب قوای عقلانی خویش است و به همین دلیل امروز به مراتب خطرناک تر از دیروز شده است و فردا نیز از امروز خطرناک تر خواهد شد.

بیانیه دانشجویان

هوادار نهضت مقاومت

ما دانشجویان هوادار نهضت مقاومت ملی ایران در یک گردهمایی توطئه انگیز از زمان نظام پزشکی ایران و جایگزین ساختن آن با سازمان دیگری تحت نفوذ و کنترل رژیم مرتجع و خدایران آخوندی را محکوم و پشتیبانی خود را از مقاومت و خواسته های برحق پزشکان صبیق و انسان دوست که برای دفاع از حقوق حرفه ای و علمی خود با هیئت حاکمه به مخالفت برخاسته اند اعلام می داریم. " ایران هرگز نخواهد همدرد " دانشجویان هوادار نهضت مقاومت ملی ایران - از میر، ترکیه

حسینعلی مشکان

وای به حال امریکا!

آیت الله خمینی در پیام به حجاج ایرانی، خریدار متعانه امریکائی را حرام شرعی اعلام کرد و سرپرست حجاج طوسی تلگرافی از جده به جماران اطلاع داد که حجاج بکصد پیام تاریخی حضرت امام را لبیک گفتند و تصمیم گرفتند جنس امریکائی نخرند. چارلی چاپلین در یکی از فیلم های اخیر تصویری از یک هنرپیشه تئاتر را که می کند که پیرو فرستاد و نام لخمیر شده است و می خواهد هدیه همان با زیهائی که زمانی برایش معروفیت و محبوبیت به ارمغان آورده بود دوباره صحنه را تسخیر کند ولی نه خودش دیگر آن هنرپیشه جوان چالاک است و نه با زیها پیش مشعل گذشته خریدار دارد، از نیرو بجای هلهله تحسین، خنده های استهزاء و الفاظ توهین آمیز نصیبش می شود. امام خمینی به چنان حال و روز افتاده است. شعارهای فدا امریکائی آقای امام بدلیلی در یک روزگاری همچنان مردم را برمی انگیزد. یکی از آن دلایل جوشد امریکائی حاکم برجها ن سوم، بخصوص از جنگ ویتنام به اینطرف بود. امریکائی ها در جنگ دوم جهانی بعنوان یک نیروی آزادی بخش وارد صحنه شدند و هنگامی که جنگ به پایان رسید چندانکه هی دنیا بعد از جنگ را تحت تاثیر خود قرار دادند زیرا در حالی

نگرید! " و چند آیت قرآن و اخباریفا مبر علیه السلام بیاوردم. بخندید و گفت: راست همین با بست که کردی، و به خدای عزوجل، سوگند خورم که آفشین جان از من نبرد، که وی مسلمان نیست! ... "

داستانی جذاب از تاریخ بیهقی

قاسم را مکش و تعرض مکن و به خانه با زفرست که اگر وی را بشکستی تو را بکشد. پس گفت ای قاسم! گفت لبیک (= بلی) گفتم تن درست هستی؟ گفت هستم - کس های خود را نیز گفتم: گواه باشیدن درست است و سلامت است. گفتند: گواهییم! و من بخشم با زگشتم چون مدهوشی، و با خود می گفتم: کشتن او را محکم تر کردم، که اکنون آفشین در رسد و امیرالمؤمنین گوید: من این پیغام ندادم، بساز گردد و قاسم را بکشد... چون به خادم رسیدم عرق بر من نشسته بود. بار خواستم، مرا با رخو است و درون رفتم و بنشستم. امیرالمؤمنین چون مرا بدید بر آن حال، به بزرگی خویش خادمی را بفرمود که عرق از روی من پاک کرد، و گفت: تو را چه رسید؟ گفتم... امروز آنچه بر من رسید در عمر خویش یاد ندارم. در پیغام مسلمانیا که از زلیبیدی نام مسلمانان این ها یاد کشید! گفت: قصه را باز گوئی! آغاز کردم آنچه فرشته بود بشرح با زگفتم. چون آن جا رسیدم که بوسه بر آفشین دادم، آن گاه برکتف، آن گاه بردود دست و آن گاه سوی پاشیدم و آفشین گفت: " اگر هزار بار زمین بوسه دهی مسود ندارد، قاسم را بخوام کشت " آفشین را دیدم که از در در آمدند کمرو کلاه... من بفردم سخن را ببریدم و با خود گفتم: اتفاق بدبین که با امیرالمؤمنین منین نگفتم که از تو پیغامی که نداده بودی بگذارم که قاسم را نکشد. هم اکنون آفشین حدیث پیغام کند و خلیفه گوید که من این پیغام نداده ام، و رسوا شوم و قاسم کشته آید!

اندیشه من این بود، و ایزد دیگر خواست، که خلیفه راست درد کرده بود از بوسه دادن من برکتف و دست و آهنگ پای بوس کردن، و گفتن او که اگر هزار بار بر زمین بوسه دهی سونندار! چون آفشین بنشست، بخشم امیرالمؤمنین را گفت: خداوند دوش (= دیشب) دست من بر قاسم گشاده کرد، امروز این پیغام درست است که احمد آورد که او را نباید کشت؟ معتم گفت: پیغام من است، و کی تا کی شنیده بودی که احمد از ما و پدران ما پیغامی گزارد، به کسی، و نه راست باشد؟ اگر دوش، پس از الحاح که کردی، تورا اجابت کردیم در با قاسم، بیای بدانت که آن مرد چاکرزاده خانان ماست، بخرد آن بودی که او را بخواندی و به جان بروی منت نهادی و او را به خویشی و با خلعت با زخانه فرستادی، آن گاه آورده کردی بیو عبدالله (= احمد) از هم زشت تربود - ولکن هر کسی آن کند که از اصل و گوهر وی سزد - و عجم عرب را چون (چگونه) دوست دارد، با آنچه بدیشان رسیده است از شمشیر و نیزه ایشان؟ بازگرد، و پس از این هشیار تر و خویشتر دار تر باش! آفشین برخاست، شکسته و بدست و پای مرده (= نگران و نا راحت)، و بر رفت. چون بر رفت معتم گفت: یا با عبدالله، چسبون رواداشتی پیغام نداده گزاردن؟ گفتم: " یا امیرالمؤمنین، خون مسلمانان ریختن نپسندیدم، و مرا مزبدا شد، و ایزد تعالی بدین دروغم

در شماره های آینده، داستان های دیگری از تاریخ گران بهای بیهقی را با شما عزیزان در میان خواهیم گذاشت.

نامه‌ها و نظرها



حاجاب تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی بی‌ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا آدرسونشان نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروهها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

احزاب ملی، پشتوانه دموکراسی

جمعی زبان به دعوی عشق گشوده‌اند ای جان فدای آنکه دلش با زبان یکی است.

نویسنده محترم - آقای‌ها دی بهزاد

(...) یک واقعیت این است که محیط دموکراسی در محیط اجتماعی ما بیشتر موضوعی است مخصوص برگزیدگان، تحصیل کرده‌ها و شاید بیشتر آنها که تحت تأثیر سیستم فرهنگی غرب قرار گرفته و اکثر اوقات (نه همیشه و در تمام موارد) جذب مظاهر ظاهری تمدن غرب شده‌اند. از دنیای زیبا و انسانی و منحصر بفرد فرهنگ اجزای خودکده‌ها طرات و تجربیات سه هزار سال سرد و گرم زندگی را دارد نه فقط بی خبرمانده حتی در مسواری و گردان نیز نشده اند و در حالی که کشور همیشه زشرف تا بیده و خواهد تا بیاید.

غرب را مثل آفتاب با دستها ندوتقریباً در تمام موارد بدون مراجعه به اساس‌های ریشه‌ای و برآیند اشتباهی سخت جانگداز، تکنولوژی غرب را با تمدن و انسانیت مخلوط کرده‌اند.

واقعیت دوم این است که در محیط حکومت ملی "ملت ایران مجموعه" آحاد و افرادی است با فرهنگ‌ها و نژادها و زبان‌ها و ادیان مختلف که در اقلیم‌های مختلف و متضاد و فقط در محدوده‌های جغرافیایی و سیاسی سرزمینی به اسم ایران زندگی می‌کنند و هر چند هم در زندگی روزمره و عملی به همسپاری درجه یک و دو... (حداقل از نظر حکومت مرکزی) تقسیم می‌شوند معذرت‌آمیز همه‌شان به یک اندازه عزت نفس دارند و همه به یک سان به فرهنگ آباء و اجدادی خود دلچسپی و بنا بر این در تکوین حکومت ملی در معنای واقعی باید که این فرهنگ‌ها شرکت کنند و تفهیم داشته باشند نه انسان‌های سرسپرده و از خود بی‌خبری که در ظاهر نما بیننده فرهنگ‌ها و نژادها ولی در واقع تسلیم خواست‌ها و سیاست‌های غیر انسانی سیستم مرکزی بوده‌باشند. چون آنچه در گذشته از دموکراسی نصیب قاطبیه‌ها اهالی شده است این بوده است که "روشنفکران" در تعقیب و ساقط رفاهی خود به صورتی که با شاکد شویده‌اند و از این رهگذر چیزی قانق نشان عوام‌المناس نشده است و بنا بر این اگر حکومت ملی آینده حتی علی‌رغم انتخابات سالم و درست - در همان شکل و شمایل گذشته به انسانها عرضه شود شخصاً "امیدوار نیستیم که کار به سامان برسد. در این میان خصوصیات نژادی و زبان مادری که عامل بسیار مهم اساسی هستند جادارد روی آن تعمق بیشتری بکنیم. (...)

متأسفانه سغانه در کشور ما در طول سالین در ازوعلیرغم امضا اعلامیه حقوق بشر خطاهای غیر انسانی فراوانی بر هم وطنان رفته و با اعتدال به لزوم حفظ یکپارچگی کشور به نوا میس بسیار اولیه و انسانی افراد آن قدر بی حرمتی شده است که موضوع امروزه به عنوان یک اصل و یک امر عادی و کاملاً "منطقی تلقی میشود. مثلاً اگر کسی صحبت از زبان‌های مادری و نژاد "لهجه‌های" میلیون‌ها انسان بکنند خالت‌دفا می‌وحتی تنها جمعی می‌گیرند و گوینده را به آنچه که نشاید منتهم می‌کنند. اما در این حال همگان که شیفته تمدن

امید و انرژی بی حد در راه تلاش برای این تمدن مکی تمدنی که در آن تمام افراد کشور از اجرای عدالت اجتماعی و همگانی مطمئن باشند و این چنین است که انسان‌ها در زیر آسمان خود احساس غرور و شخصیت و احترام خواهند کرد و باورش خواهند شد که در شهری که بدان نشان در آنجا خاک کرده‌اند و در میهنی که برای خاطر آن - حداقل به علت مرز نشینی - خون ریخته‌اند ناحق نبوده است. شهری که...

کوچه‌های تنگ و تاریک و پرگرد و خاکش همیشه مخلوط با خا طرات‌شان هستند و بوی خاک خشک آن به مشام‌شان، زیبا تر از هر پارسی دیگری است.

مردم سالاری

در طول جنگ جهانی دوم و قبل از آن و بعد از آن چقدر شاهدان و شاهدانی می‌بینیم برستی واقعی در کشورها شکی بوده ایم که انسان‌ها در آنجا حرمت و حق و حقوقی واقعی داشتند و چه در بی‌پایه بوده است تظاهرات وطن پرستانه در کشورها می‌که انسان‌ها به عنوان یک وظیفه اخلاقی و برپا یه بند و اندر زها و بر حسب دستور نظر هر به رئیس پرستی به عنوان سمبل میهن پرستی کرده‌اند. ملاحظه می‌فرمائید که در میهن‌نازین ما قبل از ملی گرائی و حکومت ملی نیاز توری و مبرمی به مردم گرائی هست که در آن صورت ملی گرائی خود بخود عملی خواهد شد. این واقعیتی است که حداکثر پشتیبانی و محبوبیت را رهبران سیاسی دیده‌اند که مردم گرا بوده‌اند بی‌شک احساس‌ها و قلوب انسان‌ها خط سباب کرده‌اند و آن‌ها را بدنبال خود برده‌اند. در این میان موجودیت یک فرد به عنوان سمبل و حدا نیت کشور به شرط این که معتقد باشد و متعهد باشد در برابر سرکند خودش صداقتی که به موضوع اصلی منافی ندارد. (...)

در ختم مقال ما دقایق پیشنهادی دارم بر اساس تئوری که کما ملأ شخصی است. از سه مرحله رشد لازم برای تأسیس یک زندگی معمولی در اجتماعات انسانی یعنی ۱ - رشد جسمانی - ۲ - رشد حرفه‌ای - ۳ - رشد اجتماعی سیاسی نیاز بیشتر هم میهنان به شق سوم پیوسته از آن یکی هاست و نضج و رشد این مرحله برای ما ها که سابقه و تجربه‌های در آن بسا ره نداریم جز دیدن تعلیم در یک مکتب سیاسی یعنی یک حزب راه دیگری وجود ندارد. جمع شدن چند نفر متعهد و برگزیده برای موفقیت یک ملت کافی نیست. در گذشته شما و همکارانتان چندبار رگله مند بوده‌اید که چه جرات جوانان "راه‌مصدق" را نمی‌شناسند.

جواب ساده و واقعی این است که کسی با دشان نداده (همان طور که هرگز تاریخ واقعی و سرگذشت درست ملت ما را بیا نداند) نه فقط جوانان، بنده غیر جوان نیز که در تمام عرصه‌های مبارزاتی هم برای خاطر همه پرستی صدق آن هم برای خا طر همه پرستی صدق به پای صندوق رای رفته‌اند نمی‌دانم که به فرزندم یاد بدهم در حالیکه هنوز فریادهای احساساتی هم میهنان در خیابان‌های تهران و توی اتوبوس‌ها که شیشه‌ها را می‌لرزاند در گوشم هست که می‌گفتند: از جان خود گذشتیم با خون خود نوشیم یا مرگ یا مصداق گویا در خا طرات سیاسی خلیل ملکسی دیده باشم که وقتی به ایشان یعنی به دکتر مصدق پیشنهاد داده است که پایه‌های سیاسی فعالیت‌های خودشان را در چارچوبه اساسنامه یک حزب سیاسی تدوین کنند. ایشان به علت اینکه خواسته‌اند همگان و نه فقط عده‌ای حزبی در نهضت شرکت کنند از این کار سر باز زده‌اند. در حالی که اگر این کار می‌شد آن وقت همگان هم جوانان و هم غیر جوانان از اصول "راه‌مصدق" آگاه می‌بودیم و ایمن گله را در مقام روابط فرزند و پسر در می‌شد از آن مرد محترم داشته‌ام که در این جا بازگو کرده‌ام.

خلاصه آن که عقیده دارم برنامه‌های یک روش سوسیال دموکراسی به شکل یک حزب باید به تمام ایران عرضه شود. انسان‌ها در مکتب حزب باید تمرین دموکراسی و لزوم چگونگی احترام به عقاید دیگران را بیاموزند و بگیرند. به عقیده‌ام این تنها شرط اساسی پایه ریزی یک زندگی متمدن در کشور ایران است (...)

کانادا - امضاء محفوظ کوتاه شده از نامه مفصل

چرا نامه‌ها را چاپ نمی‌کنید؟

(...) در رابطه با اسلحه فروشی دولت اسرائیل و حضور افسران بازنشسته اسرائیلی در ایران مرقومه‌ای تقدیم داشتم که پس از مدت‌ها هنوز ترتیب اثری به آن نداده‌اید. فکر کردم شاید مدارک لازم در این زمینه موجود نیست و به این دلیل نامه‌های حقیر بی‌تأثیر مانده است. بنا بر این مدارک لازم را فتوکپی کرده و تحت عنوان "اسرار سازمان مخفی یهود" - اشرور ترجمه ژورنالیزم ارسال نمودم که با زهم نامه حقیر تاکنون بی‌جواب مانده است.

اکنون ضمن این نامه باز خواهم نمود نامه حقیر را که ماه پیش ارسال داشته‌ام در قسمت نامه‌ها بجا بیاورد و یا لاقل دلیل به جاب نرساندن آن را اعلام فرمائید (...)

با احترام - جها نشید لشگری

قیام ایران:

هموطن عزیز، علت عدم چاپ نامه مفصل شما بخشی از ترجمه فارسی کتاب "اسرار سازمان یهود"، نوشته ژورنالیزم، طولانی بودن این نوشته بود که در حوصله صفحات محدود قیام ایران نمی‌گنجد. یک بار دیگر از خوانندگان گرامی درخواست می‌کنیم تا نامه‌ها و نوشته‌ها را موجز و مختصر بنویسند و یا این ترتیب به ما کمک کنند تا هر هفته شما ریشتری از نامه‌ها بیاوریم.

کی بود، کی بود؟

تیمسار قره‌باغی در کتاب "به جای آن که واقعیت‌ها را بنویسند بیشتر سعی کرده‌اند مثل یک وکیل مدافع حرفه‌ای حقایق را بطنف خود جلوه دهند (حتماً) می‌دانید که ایشان در رشته حقوق تحصیل کرده‌اند) و فراموش کرده‌اند که در نوشتن تاریخ و وقایع باید بی‌طرف بود و از شخص یا گروه خاصی نباید طرفداری کرد و آن وقت است که نوشته ارزش و اعتبار پیدا می‌کند مسائلی بررسی‌ها می‌کند که مرحوم کسروی دارند.

تیمسار قره‌باغی در کتاب مزبور سعی دارند خود را یک چهره ملی بنمایانند که تنها آرمانش نیک بختی ملت ایران بوده است. غافل از اینکه از وقایع سال ۵۷ چند سالی بیشتر نگذشته و همان را بیسار دارند و می‌دانند تیمسار قره‌باغی و فردوست کسان بودند که در بحران‌های دشوار لحظات بدستور ژنرال هویزرحتی به ولینمعت‌شان هم خیانت کردند. ایشان وقتی از ناراضی‌های موجود در میان رده‌های با ثن ارتش یا دمی‌کنند بیشتر است از کردار اشخاصی که در بوجسود آوردن آن ناراضی‌ها سهم بوده‌اند هم یاد کنند و در این مورد چشمان را نبینند و خودشان را بی‌گناه قلم‌مصاد نکنند.

دقیقاً "بیادارم که شاه مرحوم در مصاحبه‌اش با دیوید فرانتز است از اعمال قره‌باغی اظهار تعجب می‌نمود و می‌گفت نمی‌توانم این را باور کنم. حالا ایشان می‌خواهند با حمله به سایر رهبران ملی آبروی رفته خود را با زبانه‌های بد فکری کم در برده‌اند. اما اجازه انتشار کتاب ایشان توسط جمهوری خمینی به روشنی نشان دهنده بی‌اعتباری و کذب حقایق در کتاب ایشان است و روشن می‌کند از بین دهها کتابی که در خارج از ایران پس از سال ۵۷ نوشته شده کتاب ایشان بیشتر مطابق میل حضرات جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

با تقدیم احترام
بمبن عطا شمی

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۳۶۱۳۴۵۸ / ۴۱۶

فواد روحانی

۳۵

مصدق ونهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست

آب رفته به جوی باز نمیگردد

روز ۲۹ دی هر چند روز معمول تشکیل مجلس نبود و لسی چون دکتر مصدق تقاضا کرده بود که جلسات صبح و عصر تا تعیین تکلیف مسئله اختیار را متوقف کند و مجلس تشکیل شد. همه آن روزها بیرون مجلس با شعارهای "یا مرگ یا مصدق" و "مرگ بر منافقین" صورت گرفت. در جلسه مجلس سخنرانی‌ها بی‌غلیه تمدید اختیار را تا برادوا اعتراضات سابق تکرار شد و دکتر بقائی ضمن حمله به دولت اظهار نمود که هم‌نظرات بیرون مجلس ساختگی و هم ذکر نزدیک بودن حل مسئله نفت خلاف حقیقت و برای وادار کردن مجلس به تصویب اختیار است. ولی نمایندگان جبهه ملی پس از تأکید کردند که تصویب اختیار را به خاطر حل موضوع نفت ضروری است و دکتر با یگان در جواب برادوا مذکور در نامه کاشانی در باره مباحث اختیار را با اصل تفکیک قوا گفت باید متذکر بود که بعضی اصول در مقابل اصل بالاتر خود بخود منتفی می‌شوند و در این مورد حفظ رفاه و استقلال مملکت از تفکیک قوا مهمتر است. بالاخره در همان جلسه لایحه تصدیق اختیار را دکتر مصدق به مدت یک سال با ۵۱ رای از ۶۶ رای تصویب شد.

روز ۲ بهمن ۱۳۳۱ دکتر مصدق نطقی به وسیله رادیو به منظور تحییب مخالفان دولت و رفع نگرانی آن‌ها از تصویب اختیار را قانون گذاری ایراد کرد ملاحظه نزیب او و کاشانی صورت گرفت و به دنبال آن اعلامیه‌ای منتشر شد که در آن راجع به بین رئیس دولت و رئیس مجلس توافق نظر وجود دارد ولی محافل سیاسی این توافق را با تردید تلقی کردند. در واقع نیز بایان یافتن موضوع اختیار را نه به اختلاف بین دکتر مصدق و کاشانی خاتمه دادند بلکه تفرقه‌ای که در داخل فراکسیون نهضت ملی ایجاد شده بود گداخت. به طوری که بعدگفته خواهد شد این تفرقه و بخصوص جدا شدن کاشانی و بقائی و مکی و حائریزاده و هواخواهان آن‌ها از دکتر مصدق تا شیر مستقیم در سقوط حکومت جبهه ملی داشت.

در سازمان بین‌المللی کار

در چهارمین اجلاس هیئت مدیره (۲۲ تا ۲۴ مهر ۱۳۳۱) که در رومبه شهر لاهه تشکیل شد مسئله اختلاف بین ایران و انگلستان به عنوان یکی از رویدادهای مهم صنعت نفت مطرح گردید. سازمان بین‌المللی کار که یکی از تشکیلات اختتامی سازمان ملل است در مورد بعضی صنایع عمده (از جمله نفت) فقط از لحاظ روابط کار و رفاه کارکنان صلاحیت بحث و مطالعه دارد. ولی در دستور اجلاس مورد بحث مسئله نفت ایران به صورت کلی ذکر شده و یک بخش به شرح آن اختصاص داده شده بود که طبق اطلاع واصله به دولت ایران شرکت سابق آن را تهیه کرده بود.

طرح مسئله روابط کار و رفاه کارکنان در صنعت نفت ایران از سازمان بین‌المللی کار سابقه داشت. به این معنی که در دومین اجلاس هیئت مدیره سازمان در سال ۱۳۲۷ هیئت نمایندگان ایران شرحی در باره عدم توجه شرکت نفت انگلیس به حقوق و منافع کارکنان اظهار و درخواست کرده سازمان میسونی به رسیدگی به این موضوع به ایران اعزام نماید. دفتر بین‌المللی کار میسونی مرکب از سه نفر از اعضای خود (یک انگلیسی، یک ایتالیایی و یک ایرانی) در دی ماه ۱۳۲۸ به ایران فرستاد. این میسونی پس از سه هفته توقف در خوزستان به ژنرال امریت گردوگزارش میسویی تهیه نمود که در موضوع شرایط کار و زندگی کارکنان ایرانی شرکت اظهار نظر می‌کرد. یعنی طرز

استخدام، میزان دستمزد، ساعات کار، تعطیل با استفاده حقوق، انضباط، خاتمه دادن به کار، بیمه‌های اجتماعی، امنیت، مسکن، تاه مین خوابگاه، بهداشت، آموزش، تشکیلات اتحادیه‌های ورسیدگی به شکایات و راجع می‌داد. این گزارش بصورت یکسری از اسناد رسمی سازمان بین‌المللی کار چاپ و منتشر شد (۲) گزارش هرچند اشاره به کمبودها می‌نمود ولی آنها را نتیجه اوضاع بعد از جنگ قلمداد می‌کرد و در هیچ مورد قصوری به شرکت نسبت نمی‌داد. بلکه گویی یک لایحه دفاعی از موقعیت شرکت بود. این گزارش در سومین اجلاس هیئت مدیره (۱۹۵۰) مطرح شد ولی از طرف هیئت نمایندگان ایران ایرادی به محتویات آن طرح نشد و مثل این بود که هیئت مدیره شرکت صرف نظر کرده است. بعد از زلزله شدن نفت وقتی دفتر سازمان بین‌المللی کار موضوع اختلاف نفت را در دستور چهرمین اجلاس (۱۹۵۲) گذاشت و احتمال می‌رفت که شرکت از محتویات گزارش مورد بحث اتخاذ می‌کند دولت ایران فرصت را برای خنثی کردن اثر گزارش با بیان ایراداتی که به آن وارد بود مناسب دید و هیئت را برای شرکت در کمیسیون و انجام این منظور اعزام نمود. (۳)

از طرف شرکت سابق نیز نمایندگان در کمیسیون شرکت داشتند اما آن‌ها ابتدا به سخن ننمودند بلکه بحث از طرف مهندس حسینی شروع شد که طی یک سخنرانی مشروح و مستدل موجبات عدم رضایت ایران را از شرکت سابق موصوفا "در مورد سیاست و روش شرکت در امور مربوط به کارکنان بیان کرد و نتایج مندرجات گزارش هیئت سه نفری را شرح داد. نمایندگان گروه کارفرما از هیئت‌های اعزامی گانادا و انگلستان سعی کردند اظهارات مهندس حسینی را خلاف واقع و غیرمنصفانه جلوه دهند اما نمایندگان ایران به اظهارات آن‌ها بسیار ذکر دلیل جواب دادند و یادآور شدند که حتی گزارش مورد گفتگوی همه کوشش در محامات شرکت لاقابل‌بیش عبارت به نفع ایران قید کرده و گفته است: "اشکالات موجود در مناطقی نفتی مولود عملیات شرکت می‌باشد. دولت تاکنون هزینه‌های سنگینی در این نواحی متحمل شده است و نمی‌توان انتظار داشت که پول و کوشش‌های بیشتری صرف ناحیه‌ای نماید که آن را یک کارخانه

عظیم شرکت نفت تلقی می‌کند.

نمایندگان انگلیسی ضمن اظهاراتشان مسئله اختلاف ایران و انگلستان را طرح نکردند جز اینکه یکی از رؤسای شرکت درباریان یک سخنرانی دکتر مصدق را بدون ذکر اسم مجنون خواند. یعنی گفت، "مصدق اظهاراتش را با یک ضرب‌المثل فارسی تمام می‌کند و آن اینست که: "یک دیوانه سنگی را در جا همی‌نندازد که چهل عاقل نمی‌توانند آن را بیرون بیاورند." اما یکی از نمایندگان ایران (نگارنده) ضمن جوابگویی به اظهارات او، وجود ضرب‌المثل مناسب تری را به او گوشزد کرد. به این مضمون که: "آب رفته به جوی با زرمی گردد."

نتیجه تبادل سخنرانی‌ها این بود که اکثریت کمیسیون به نفع ایران تحت تأثیر قرار گرفت بطوری که نمایندگان بعضی دولت‌ها بخصوص مترومکزیک به هیئت نمایندگان ایران پیشنهاد کردند که قطعنامه‌ای در بربریشتهای کمیسیون از اقدام ایران و نسا روا شناختن عکس‌العمل شرکت و دولت انگلیس طرح کنند. ولی هیئت نمایندگان "امولا" این مبحث را داخل در صلاحیت کمیسیون نمی‌دانست. و فایده‌ای برای طرح یک چنین قطعنامه بخصوص با امکان خطر در آن برای اعمال نفوذ دفتر سازمان و هیئت‌های انگلیس و آمریکا و هلند قائل نبود. و به همین نتیجه اکتفا کرد که امکان استناد شرکت سابق به مندرجات گزارش هیئت سه‌نفری منتفی گردید.

دومین پیشنهاد انگلیس و آمریکا

به طوری که در بخش گذشته گفته شد نمایندگان جبهه ملی ضمن مذاکرات مجلس در اوایل خردادماه اظهار کردند که دکتر مصدق برای حل مسئله نفت مشغول مذاکرات مهمی است و موضوع را هشتاد درصد اتمه یافته می‌داند. مقامات رسمی انگلیس و آمریکا نیز در همان موقع اظهار می‌کردند که مذاکرات به مرحله نهائی رسیده است اما زمینیه این اظهارات را میدواری‌ها معلوم نبود جز اینکه چندین ملاقات طی همان ماه بین دکتر مصدق و سفیر آمریکا صورت گرفت و چنین نایع شده بود که راه‌حلی در نظر گرفته شده ولی اشکال تعیین غرامت همچنان باقی است و مذاکرات در باره آن ادامه دارد. در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۳۱ حکومت آمریکا تغییر کرد و دولت آمریکا به مسئله نفت به نفع ایران تغییر کرد. بنا براین به مجرد انتخاب آیزنهاور و قبل از شروع او به کار نامه‌های تهنیت آمیزی به تاریخ ۱۹ دیماه به او نوشت و در طی آن چنین گفت:

"امیدوارم حکومت جدیدی که به ریاست آن حضرت تشکیل می‌شود در آغاز کار به اهمیت مبارزه با حیات ملت ایران کاملاً پی‌ببرد و برای رفع موانعی که ملت ایران را از نیل به امیال خود با زداشته و نگذاشته است در پرتو استقلال سیاسی و اقتصادی از زندگی بهتر بهره‌مند شود برای و همراهی کنند...

قریب دو سال است که مردم ایران دچار بی‌عسرت و نابسامانی بوده‌اند فقط به علت اینکه یک شرکت طماع و سودجویا بشتیبا نی دولت انگلیس جدوجهد بخرج داده است که آن‌ها را از نیل به حقوق طبیعی و اساسی خود با زدارد... متاه سفانده دولت آمریکا در عین آنکه در باره‌های موارد دوستی خود را نسبت به ایران نشان داده ولی از سیاستی نیز پیروی کرده است که به نظر مردم ایران مبنی بر بشتیبا نی از دولت انگلیس و شرکت سابق است. یعنی در مجامع بین‌المللی در مورد مبارزه ایران از دولت انگلیس علیه ایران جانبداری کرده، به دولت انگلیس کمک مالی نموده و حال آنکه از چنین کمک به ایران در رخ کرده است، و بنظر مسالاقلاً تا اندازه‌ای به مجاهدت‌های انگلیس در اختناق ایران به وسیله محاصره مالی و اقتصادی کمک نموده است... صمیمانه امیدوارم که وقتی حکومت جدید آمریکا که به ریاست آن جناب تشکیل خواهد شد عسبان امور را بدست گیرد توجه دقیق به مسئله ایران مبذول دارد تا ایران بتواند به آرامی‌ها خود رسیده و هدف صلح جهانی را تقویت کند."

آیزنهاور در تاریخ ۲۰ دیماه به‌نام مصدق جواب

داد و ضمن تشکر از اظهارات رتبریک او چنین گفت: "از دریافت نظریات اجالی آن جناب در باره وضع کشورتان خوشوقت شدم و نظریات مزبور را با دقت و علاقه مخصوص مطالعه خواهم نمود. امیدوارم این اظهارات طمینان را از طرف من بپذیرید که من به هیچ وجه از روش‌های طرفی آمریکا در این مسئله عدول نکرده‌ام و هیچ کس سعی نکرده است که در این مطلب مرا تحسب تا شیر قرار دهد... من خوشحال خواهم شد که شما مستقیماً چه به وسیله مجرای دیپلماتیک عادی در هر موقع پیامی حاکی از نظریات شما نسبت به موضوعی که مورد علاقه مشترک ما با سندر باره است."

بدنیال ثایعات دیماه در واسط بهمن یک خبر قطعی منتشر شد به این مضمون که وزیر امور خارجه جدید آمریکا فاستردالس

لندن رفته و با جرجیل وایدن در باره مسئله نفت ایران مذاکراتی نموده است. که نتیجه آن به زودی بصورت ابلاغ پیام مشترکی از جانب دولتین انگلیس و آمریکا بدولت ایران معلوم خواهد شد. این پیش‌بینی بی‌مورد نبود چون در تاریخ اول اسفند ۱۳۳۱ سفیر آمریکا در تهران طرحی به عنوان طرح مشترک دو دولت نامبرده به دکتر مصدق تسلیم نمود. مفاد طرح مزبور به شرح زیر بود:

- ۱- موضوع غرامت شرکت نفت انگلیس و ایران به دیوان دادگستری بین‌المللی رجوع شود که بر طبق اصول یکی از قوانین ملی شدن منابع در انگلستان به انتخاب شرکت مزبور میزان آن را تعیین کند.
- ۲- بمجرد حصول توافق در باره تصفیه غرامت به دولت ایران بپردازد که در آینده معادل آن به نفت از طرف دولت ایران مسترد شود.
- ۳- دولت ایران شرکت سابق نیز در آن دخیل با تدویر بین‌المللی که شرکت سابق نیز در آن دخیل با تدویر مذاکره شده ترتیبی قائل شود که شرکت مزبور ضامن عمده‌ای نفت برای مدت طولانی خریداری کند.
- ۴- دولت ایران حق کامل اداره صنعت نفت خود را داشته باشد و فقط قبلاً متعهد شود که غرامت شرکت را به هم‌میزانی که دیوان دادگستری بین‌المللی تعیین کند بپردازد.
- ۵- پرداخت غرامت ممکن است به یکی از دو صورت انجام گیرد یا با پرداخت صدی بیست و پنج از عایدات ناویژه فروش نفت در آینده یا به وسیله تحویل نفت خام و تصفیه شده بر طبق تراضی طرفین - طریق دیگری که ممکن است در نظر گرفته شود اینست که اگر در هر سال ۲۵ درصد عواید فروش از پنج درصد میزان غرامت شرکت کمتری شد دولت ایران معادل این کمبود نفت به شرکت تحویل دهد.
- ۶- علاوه بر نفاد دیگری که به شرکت تحویل داده خواهد شد دولت ایران در فروش نفت خود در باره‌های جهان آزاد باشد.

- ۱- عضو ایرانی محمدعلی جمال زاده
- ۲- در ۱۰۵ صفحه عنوان

Les conditions de travail dans l'industrie du Pétrole en Iran Genève 1950

۳- اعضای این هیئت عبارت بودند از مهندس حسینی و دکتر احمدعلی بهرامی و مهندس خلیلی (نمایندگان دولت) و دکتر کیهان و فوآد روحانی (نمایندگان کارفرما) و طاهری و رحیمی (نمایندگان کارکنان)

ایران

دشواریهای صدور نفت

مناسب کشتیرانی منطقه خلیج فارس روز جمعه (۸ اوت) اعلام کردند که عراق در ماه گذشته با بمباران نیمی از نفتکش‌های رابط میان خا رک و سیر، امرنقل و انتقال نفت ایران را سخت مختل ساخته است.

به گفته این منابع عراق روزی شش (۸ اوت) دو کشتی رابط ایرانی را در نزدیکی پایانه نفتی خا رک غرق کرده است. گفته می‌شود که بدین ترتیب، از آنجا که جمهوری اسلامی برای تاه مین هزینه‌های جنگ با بغداد دبر در آمد نفت متکی است، بشدت تحت فشار قرار خواهد گرفت.

ما گذشته سه نفتکش رابط ایرانی دیگر نیز توسط عراق غرق شدند و این در حالی است که تعداد کشتی‌های رابط ایرانی حدود ۱۱ فروند تخمین زده می‌شود.

به گفته همین منابع، جمهوری اسلامی باید بتواند تا یک ماه دیگر پنج نفتکش رابط دیگر را زحمله کشتی‌های راکه در گذشته خسارت دیده‌اند، به آب بیندازد.

نفتکش‌های رابط، نفت خام ایران را به پایانه سیری واقع در جنوب خلیج فارس که از دسترس جت‌های عراقی بیرون است، می‌رسانند. بعضی از این نفتکش‌ها نیز محصولات نفتی بی راکه به پایگاه‌های ایران اکنون از تهیه آن‌ها عاجزند وارد می‌کنند.

یکی از دست‌اندرکاران امور کشتیرانی منطقه می‌گوید: "بنظر می‌رسد که جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند کارها را روبرو کند با دشواریهای زیادی روبرو باشد."

مهران طبری

دهن کجی دادستان امام

دادستان کل کشور، منتخب "امام"، جانشین منتخب "امام" را به مبارزه ای دائمی خوانده است. حجت الاسلام محمدخوئی هجرتی ها برای آیت الله حسینعلی منتظری تره هم خرد نمی کند. سرسراگرها و شعراهای دادستانی کل کشور یک دهن کجی مدام به آیت الله منتظری است. خوئی هجرتی ها لفظای غافل نمی ماندا زاینکه تکرار کنند و نشان دهد که نبض انقلاب اسلامی در هیچ جا ضعیف نیست. ترا دادستانی کل کشور نمی زند. او هر چه را لازم بداند می کند تا مسابا را مردم فراموش کنند که انقلاب اسلامی نیز در شمار "انقلاب های مداوم" تاریخ است که اگر توقف کند، خواهد مرد.

دستور توقف را از هیچ مقامی نمی پذیرد، حتی اگر دستوردهنده خودخوئی باشد. دادستان ارتباط خوئی هجرتی، زندانی جمعی را، با خوئی هجرتی ها، امام جمعه پیشین مسجد جماران، تا آنجا که مسابا می دانیم به روزهای گروگان گیری دیپلمات های آمریکا می در تهران باز می گردد. خوئی هجرتی ها، نزدیک یک سال پس از آن گروگان گیری، در مصاحبه ای با روزنامه کیهان گفت که: ما موافقت امام را بدست آورده بودیم برای آن که سفارت آمریکا را حداقل سه روز شغال کنیم تا برجیس آمریکا می بودن انقلاب اسلامی را برداریم. و امام فرمودند فقط سه روز... اما سه روز شد ۴۴ روز.

دیگر پیش بینی نشده بود که حزب توده با دست گل به سراغ "دانشجویان خط امام" بیاید، دیگر پیش بینی نشده بود که گروه های چپ ناماد همیزم در تنگنوردان تظا هرات جنو سفارت آمریکا بیفکنند. دیگر پیش بینی نشده بود که ما چسرای لشکرکشی به افغانستان پیش بیایند.

دیگر پیش بینی نشده بود که خمینی شغال سفارت آمریکا را "انقلاب دوم" بنا صد. شاید پیش بینی شده بود که شغال سفارت وگروگان گیری را به صورت پیشدرآمد سقوط دولت موقت مهدی بازرگان در آورند.

در آن روزها در تهران می گفتند که خمینی چا نوری است و خوئی هجرتی هادام او چا نور هروقت که اراده کرد، دمش را تکان می دهد. اما در این چند سال معلوم شده است که رابطه میان چا نور و دم، معکوس است، و هروقت دم اراده کرد، چا نور را تکان می دهد.

به هر حال یک نقش خوئی هجرتی ها از سکه انداختن آدمهایی است که می گویند نقش اعتدال و توازن در جمهوری اسلامی بازی کنند. یک روزا و بازرگان و دولت موقت را از سکه انداخت و امروز در صدد است که منتظری را سنگ روی یخ کند.

هنگامی که آیت الله منتظری به میرحسین موسوی توصیه کرد که از ایران خارج شود و به اروپا برود، برگردند و در "غم و شادی" جمهوری اسلامی شریک باشند، این خوئی هجرتی ها بود که گفت در کشور اسلامی چا نوری است که مانده های خدا انقلاب نیست. هنگامی که منتظری گفت که افراد باید از امنیت شغلی برخوردار باشند و نباید مانع هیچ کس، از جمله پزشکان، شد، با زهم این خوئی هجرتی ها بود که در تکرار را ظاهر انقلاب خواندند و تهدید کردند که وسایل سرکوب جمهوری اسلامی را علیه آنان بکار خواهند برد.

منتظری می گوید که مطبوعات باید در اظهار نظر و عقیده از ادب باشند تا دنیا نگوید رسانه های همگانی جمهوری عوامی ثابت می کند. و ما میدوایم تکمیل پژوهش ها روزی این اسناد به صورت مدون درآیند تا ابعدا فجا بیع اجتماعی حاصل ارزویم اسلامی در دسترس پژوهشگران و مورخان قرار گیرد.

اسلامی سرورته یک کرباسند. اسباب خوئی هجرتی ها در برابر او قد علم می کند و نظرمی دهد که روزنا مه های اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی باید تعطیل شوند و به جای آن فقط یک روزنا مه انتشار یابد. او علت را در آغا ز کمبود کاغذ ذکر می کند، ولی گویا این علت را از یاد می برد و علت واقعی را می گوید، و آن اینکه روزنا مه های نا مبرده در حقیقت تفاقوتی با یکدیگر دارند و انسان اگر یکی از آن ها را خوانده باشد، گوئی همه را خوانده است.

منتظری، این بار با اسناد دبه فتوای خمینی، می گوید: "گذشته افراد مملکت نیست، مملکت حال افراد است. ولی این حرف را درست همان کسی پشت گوش می اندازد که با دیدن راجدی ترا زهمه بگیرد: یعنی حجت الاسلام و المسلمین محمدخوئی هجرتی ها دادستان کل کشور. وی به معنا خود، حجت الاسلام رضانی دستوری دهد که همه کسانی را که در رژیم گذشته سرتی توی سرها داشته اند به دادسرای انقلاب بخوانند تا گذشته خود را در دادگاه ها ای انقلاب تبرئه کنند، بلکه بتوانند حال و روزی در جمهوری اسلامی داشته باشند. به عبارت دیگر منتظری می خواهد چنین القا کند که در جمهوری اسلامی اصل بر بربر است، حال آنکه خوئی هجرتی ها عملاً اثبات می کنند که در جمهوری اسلامی اصل بر بربر است.

نکته، چا لبی است که بر دهنیم که این دهن کجی های دادستان کل کشور به جانشین ولی فقیه، با تائید خمینی صورت می گیرد یا نه. ولی جدا از این، چه خمینی تائید بکند یا نکند، چه بتواند جلو خوئی هجرتی ها را بگیرد و چه نتواند، واقعیت سر سخت در جمهوری اسلامی نمرخوئی های ظاهری آقای منتظری نیست، دهن کجی های مدام خوئی هجرتی ها است. دهن کجی نه فقط به منتظری بلکه به قانون اساسی خود جمهوری اسلامی. در چنین حالتی آیا خوش باوری و خوش خیالی نیست به انتظار روزی نشستن که حداقل امنیت، آزادی، حقوقی مدنی و سیاسی در پناه قانون در جمهوری اسلامی بوجود آید؟

یک جامعه شناس ایرانی

ناهنجاریهای روانی

با لارفتن میزان خودکشی و قتل و افزایش سرقت، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر از عوارض روانی اجتنابنا پذیر حکومت ولایت فقیه است.

یک جامعه شناس معروف ایرانی که به خاطر از کشور سفر کرده است ضمن توضیح این مطلب در گفتگویی با خبرنگار رادیو ایران افزود: ضربات حکومت اسلامی بر جامعه ایران فقط در فجا بیع تا اقتصاد یا بهم ریختگی سازمان اجتماعی که پیاپی مدام طبیعی چنین نظامی است، خلاصه نمی شود. حکومت ولایت فقیه که به پشت مادی و مملوئی را وعده می داد امروزه تنها کشور را به بین بست اقتصاد و سیاسی کشاننده، در پی آن آثار مخربی نیز در روحیات مردم بجا گذاشته است.

درجهش می که نظام ولایت فقیه ایجاد کرده است، خشک و تریا هم می سوزاند. هیچ کس، نه به اصطلاح خودشان مستضعفان و نه آن ها که در فرهنگ لغات رژیم مستکبر شمرده می شوند، از آثار مخرب این رژیم در امان نمانده است. این جامعه شناس می گوید، تنها یک مرور گذرا بر زندگی عمومی و وضع معیشتی افراد، کمبودها و افزایش آمار جرائم اجتماعی و خودکشی ها، ما هیست سبب و ارتجاعی نظام فعلی را آشکارتر می سازد.

وی افزود: من به خصوصی روی آمار خودکشی ها و قتل ها می که در سایه این رژیم در گوشه و کنار مملکت اتفاق می افتد، تکیه می کنم. همین دو هفته پیش بود که یکی از منازعه داران خیابان پهلوی بعزت و رشکستگی خودمفا زه اش را به آتش کشید. همین چند ماه قبل بود که مردی سه فرزندش را سر برید، وزنی سه کودکش را در نهر فیروزآباد شهر ری غرق کرد. و یک هفته پیش بود که مردی خود را از ساختمان برج شهیا دبه پاشین انداخت. این ها مثنی از خوار و تنهیا معدودی از انبوه قربانیان حکومت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی را نشان می دهد. چا مع شناس ایرانی می گوید: گروهی از جامعه شناسان مدارک و اسنادی را جمع آوری کرده اند که رابطه نظام فعلی و گسترش موج پدیده های منفی رادرن زندگی

وای به حال امریکا!

بقیه از صفحه ۷

که روس ها حاضر نبودند سرزمین ها را که در جریان جنگ تحت تسلط ارتش سرخ درآمده بود تخلیه کنند، امریکا نمی توانست استقلال کشورها را دیگر محترم شمرند و حتی اعتبارات هنگفتی را برای کمک به اجرای برنامه های بازاری و توسعه در نقاط مختلف جهان تخصصی دادند. اما بتدریج منفعت طلبی تا جرما با نه بر هدف های انسانی سیاست جهانی آن ها غلبه کرد و خواهنا خواه در سایه کسب امتیازات وارد گود شدند و طبعاً "بشار اتهامی" به مددتی با عوامل فساد و دیکتاتورها در جهان سوم بدوشان افتاد. این بود که امریکا می توانست خود را از دست دادن دو زمینگی تبلیغاتی ضد امریکا می بدست خود امریکا می هوا رند.

بهر صورت جودا امریکا می در کشورهای جهان سوم به شوروی می بیش از همه امکان بهره گیری میداد ولی تنها آن ها نبودند که از تشدید احساسات ضد امریکا می در نقاط مختلف جهان خرسند می شدند، بعضی کشورهای صنعتی غرب نیز مایل بودند که زیر پای امریکا در پایگاه ها می که بعد از جنگ دوم جهانی نبودند آورده بود خالی شود، زیرا امریکانه تنها آن ها را از مناطق نفوذ سنتی شان رانده بود بلکه با قدرت عظیم اقتصادی خود نفشان را بشماره می انداخت در قضا یای مربوط به افزایش قیمت نفت نیز اروپای غربی و می موضع امریکا را تشخیص می دادند و می دانستند امریکا از افزایش قیمت نفت زبانی نمی برد زیرا واردکننده نبود حال آنکه با افزایش قیمت نفت از یک طرف قدرت رقابت را از قبای عمده بازرگانی خارجی خود یعنی ژاپن و اروپای غربی به علت افزایش هزینه تولید آن ها سلب می کرد و از طرف دیگر بر اثر لارفتن درامد کشورهای نفت خیز، با زار فروش خود را در این کشورها توسعه می داد.

در جریان انقلاب اسلامی و پس از استیلا رژیم موجود، در ارتباط با این جو و به وسیله گروه بندی های داخلی،

فروش انگشتریهای ازدواج

بقیه از صفحه ۲

فروش روزانه میوه در مغازه های میوه فروشی نسبت به سال ۶۴ که سال کساد میوه هم بوده به یک سوم تقلیل یافته است. این کساد میوه و کم پولی خانوادها میزان آگهی های فروش کالاها می دست دوم را به شدت بالا برده و غیرا از اعلان ها در روزنا مه ها بر سر هر گوی و برزن ده ها اعلان دستی برای فروش اثاث منزل و حراج های خانگی به بهانه سفر و مهاجرت به خارج به چشم می خورد. در هر مغازه طلا فروشی از هر سی نفر مراجمه کننده ۲۵ نفر فروشنده آخرین اشیاء زینتی و انگشتری عروسی و نامزدی هستند و بقول یک زرگر، این دل کنند از یادگارهای قشنگ زندگی تلخ ترین صحنه ها را در این گونه مغازه ها خلق می کنند. دولت که برای سیر کردن است ریزودرشت حزب الله که سوار بر موتور و با لباس شخصی شهر را کنترل می کند در مانده است، برای کسب درآمدهای تازه ز تمام شیوه های کثیف و ضد انسانی بهره برداری می کند.

عمومی ثابت می کند. و ما میدوایم تکمیل پژوهش ها روزی این اسناد به صورت مدون درآیند تا ابعدا فجا بیع اجتماعی حاصل ارزویم اسلامی در دسترس پژوهشگران و مورخان قرار گیرد.

خمینی و ادامه جنگ

نه اظهارات گوربا چف خطاب به معلمان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که: "یک روز جنگ بدتر از سه سال مذاکره است" و نه درخواست صلح صد امام حسین که شنبه گذشته (۱۲ اوت) اعلام شد، هیچ یک کاری برای صلح از پیش بینی نبردند. تهران بر آن است که "مجازات متجاوز" را به گونه "تنهیا راه جلوگیری از تکرار و گسترش تجاوز" ادامه دهد.

مخالفت علی خامنه ای، با پیشنها صلح رئیس جمهوری عراق که آن را دلیل "ضعف فرماندهان نظامی بغداد" توصیف کرد در واقع آماج دگی جمهوری اسلامی برای دست زدن به حملات تازه علیه عراق را تائید می کند.

نقل و انتقال های گسترده نیروهای جمهوری اسلامی در بخش های مرکزی جبهه از یک تعرض قریب الوقوع با امواج انسانی خرمی دهد.

خمینی اخیرا با دخالت نهایی خود به اختلاف نظر میان موافقان و مخالفان تاکتیک حمله با "امواج انسانی" پایان داد.

بدین گونه بود که محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران و مدافع اصلی تاکتیک حمله با امواج انسانی، بر حریف خود سرنهک صبا دشمنی را می فرماد که پیشین نیروی زمینی جمهوری اسلامی بیروزشد.

صبا دشمنی با اعتقاد به جلوگیری از بهر دادن چا ن انسان ها، بر آن بود که در حالی که عراقی خود را زیر تسلط تکنیکی برخوردار است، جمهوری اسلامی باید جنگ را تا زمانی که بتواند از تسلیمات نظامی مجبزی چون هواپیما، تانک، موشک های زمین به هوا و موشک های ضدتانک برخوردار گردد، به تعویق اندازد.

سوانح

موج تازه ایرانیان فراری

هجوم ایرانیان فراری هر روز بیشتر و بیشتر میشود. زیر این عنوان سوانح روزنامه سوئدی داگنس نی هیتسر طی گزارشی درباره پناهندگان ایرانی به سوئد نوشت:

طوفان فراریان ایرانی دوباره شدت گرفته است و هر هفته بیش از صد پناهنده ایرانی از راه های مختلف خود را به فرودگاه استکهلم می رسانند و تقاضای پناهنده می کنند. آن ها حتی حاضرند در اردوگاه های مخصوص پناهندگان به سربرند، اما به تهران بازگردانده نشوند.

بیشتر ایرانیان فراری از جمهوری اسلامی، به ناچار میالغ هنگفتی می بردند تا با یک گذرنامه میالغ ویزای تقلبی خود را به مرز سوئد برسانند. برخی از آن ها دلیل درخواست پناهنده خود را فرار از جنگ ذکر می کنند، اما مسلم است که هر کس که بتواند اندر آبی پیدا کند، از جمهوری اسلامی فرار می کند.

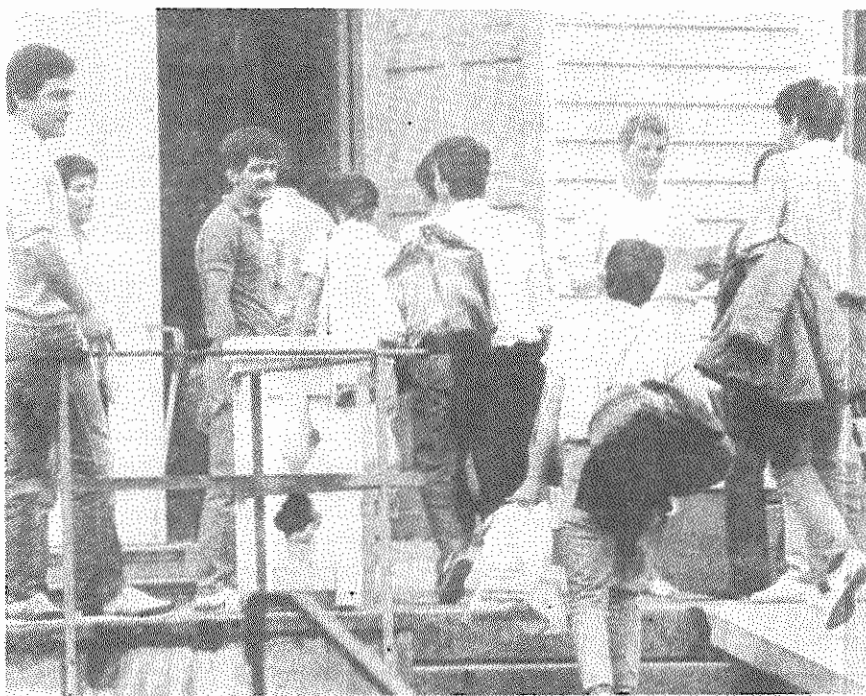
گزارشگر این روزنامه می افزاید: نزدیک به یک ماه است که گروه های گشتی با کامیون ها در شهرها و روستا های ایران راه افتاده اند و هر کس را که بتواند سربا ایستادن دارد، سوار کامیون ها می کنند و بدون آموزش نظامی، یک راست به جبهه ها می فرستند.

یک سربا فراری می گوید: روزی کامیون سوارها و گشتی ها مرا غافلگیر کردند و بدون آن که اجازه بدهند حتی به همسرم اطلاع بدهم، مرا به جبهه فرستادند، اما توانستم در میان راه فرار کنم. به این ترتیب دیگر جای ماندن نبود، وسایل زندگی و اثاثیه را به از آن ترین قیمت فروختم، فرزند پنج ساله و همسرم را نزد خانوادهاش گذاشتم و فرار کردم. تمام پولی را که داشتم برای خرید یک گذرنامه و ورواوت تقلبی برداختم تا شاید بتوانم خود را به کشوری امن برسانم.

گزارشگر سوئدی می افزاید: بعلاوه آنکه آلمان شرقی به موجب قرارداد مانع از عبور ایرانیان فراری به سوی مرزهای سوئد می شود، فراریان از تهران به دو بی و از آنجا به کشورهای مختلف از جمله سوئیس یا آلمان غربی

هسته های مقاومت در ایران

بروازمی کنند و سپس خود را به سوئد می رسانند. آن ها برای آنکه ویزای ورود به این کشورها را به دست آورند میالغ هنگفتی به دلالت و قاچاقچیان یا راهنمایان خود می پردازند. یک تن از ایرانیان گریخته از جمهوری اسلامی می گوید: اگر کشورهای آزاد به سفارت خانه های خود در تهران اجازه صدور ویزا بدهند، ایرانیان ناچار



آوارگان ایرانی در سوئد

نمی شوند همه هستی خود را به قاچاقچیان بپردازند. از سوی دیگر مقام های کشورهای آزاد جهان باید به این نکته توجه کنند که با فشاری که جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه گسیل دانشمندان مردم به جبهه ها اعمال می کند، ایران برای خیلی ها که جاز نیستند فدای هوا و هوس های حاکم اسلامی بشوند، جای ماندن نیست. رئیس پلیس فرودگاه استکهلم می گوید: هجوم ایرانیان فراری نظم تشکیلات پلیس فرودگاه را بهم ریخته است. از آنجا که ما قادر به تشخیص وضعیت آن ها نیستیم آن ها را به محض آنکه می رسند،

به یک اردوی موقت انتقال می دهیم تا بعداً با کمک ما موران اداره مهاجرت وضعیت فراریان را روشن کنیم. گزارشگر روزنامه داگنس نی هیتسر، یادآوری می کند که، اخیراً در یک مصاحبه تلویزیونی وزیر مهاجرت سوئد اعلام کرد که با مقامات آلمان غربی وارد گفتگو شده تا شاید بتوانند به شکلی از عبور ایرانیان به سوی سوئد ممانعت



آوارگان ایرانی در سوئد

بعمل آورد. خبرنگار این روزنامه می نویسد: در اتوبوسی که ایرانیان را به اردوگاه منتقل می کرد با چندتن مهاجرتی انجام دادم. بیشتر آن ها میگویند: تا زمانی که رژیم اسلامی همه چیز را در جبهه های جنگ خلاصه می کند و جوانان ایرانی آینده خود را تباها و سیاه می بینند ایرانیان دیگر قادر نیستند در وطنشان باقی بمانند، زیرا این روزها "جنگ حائل بزرگی است میان امروز و فردا".

داگنس نی هیتسر، چاپ استکهلم - ۲۸ ژوئیه

شده بود: "خان ملعون"، در تهران پخش شد.

موضوع جالب دیگری که در آستانه سالگرد انقلاب مشروطیت، به ویژه در تهران جلب توجه کرد، اهمیت کتاب های تاریخ مشروطیت است که در آثار محققان فریدون آدمیت و دیگر دوستان و افراد خانواده، بنامشان تشریح جشن مشروطیت، کتابی درباره این انقلاب ملی به یکدیگر هدیه کرده اند. گزارش های دیگر از هسته های مقاومت تهران و تبریز و شیراز و زورخانه ها که از آنست که صبح روز ۱۴ مرداد، گروه های چند نفری با ساداران کمیته ها و اعضا گشت های گوناگون رژیم، در کوچه و پس کوچه ها و خیابان های این شهرها به راه افتادند و به کندن و پیاپی کردن شعارها و عکس ها برداختند.

در تهران و تبریز و شیراز به گزارش های رسیده، عوامل رژیم تا ساعتی از ظهر گذشته به این کار اشتغال داشتند.

بمباران اصفهان

هواپیما های عراقی پالایشگاه اصفهان و تاسیسات نفتی پایانه خارک را بمباران کردند. هواپیما های عراقی ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح دیروز (۸ اوت) پالایشگاه اصفهان و یک نیروگاه برق و دودگیرگاه حرارتی را واقع در جنوب غربی اصفهان بمباران کردند و تلفات و خسارات زیادی وارد آوردند. عراق در اطلاعیه نظامی خود اعلام کرد که کلیه هواپیما هایش سالم به پایگاه های خود بازمیگردند. براساس همین اعلامیه، هواپیما های عراقی دیروز دوباره تاسیسات نفتی خارک را نیز بمباران کردند.

رادییوی جمهوری اسلامی اعلام دادند هواپیما های عراقی محلات صنعتی و کارگرنشین نزدیک اصفهان را بمباران کرده اند که در نتیجه آن عده ای زخمی شدند و خسارات مختصری به تاسیسات صنعتی و خانه های این منطقه وارد شد. جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرد که یک هواپیما عراقی هنگام بازگشت در اشرافیه دفاع ضد هوایی جمهوری اسلامی در این منطقه سرنگون شد. از سوی دیگر به گزارش خبرنگاری فرانسه، بیانیه نظامی دیروز عراقی حاکی است که در بمباران منطقه غیرنظامی سیروان واقع در استان سلیمانیه عراق که روز چهارشنبه (۶ اوت) به وسیله جمهوری اسلامی صورت گرفت ۲۴ غیر نظامی از جمله ۲۱ کودک کشته و ۴۰ نفر زخمی شدند، تعداد زیادی واحد مسکونی ویران گشت. بیانیه نظامی عراقی، حمله جمهوری اسلامی را جنایت وحشیانه لقب داد و اعلام کرد عراق به موقع به این اقدام جنایتکارانه و عمل غیرمستولانه پاسخ خواهد داد.

بر اساس این گزارش بمباران اصفهان بدنبال انتشار این بیانیه صورت گرفت.

از سوی دیگر برای نخستین بار براساس آن که جمهوری اسلامی عراق، در تیرماه سال گذشته بطور ضمنی موافقت کردند از بمباران شهرها دست بردارند، جمهوری اسلامی با تویچه دوربرد خود از ۲۸ ژوئیه تا ۴ اوت به مدت ۸ روز متوالی، بصره دومین شهر بزرگ عراق را به شدت بمباران کرد.

روز شنبه گذشته (۱۲ اوت) در بمباران یک دبستان در بصره یک کودک به قتل رسید و ده نفر مجروح شدند.

در این حال جمهوری اسلامی، در تاریخ ۶ اوت گزارش عراقی را مبنی بر بمباران ناحیه مسکونی "سیروان" واقع در منطقه "حلبچه" بشدت تکذیب کرد. سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ رژیم تهران گفته های عراقی را کذب نامید و آن را بهانه ای برای ادامه بمباران های عراقی دانست. سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ افزود بمباران اصفهان بدون پاسخ نخواهد داشت. به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، هواپیما های عراقی بعد از ظهر دیروز نیز بر فراز اصفهان به پرواز درآمدند ولی بر اثر آتش دفاع ضد هوایی از محصل دور شدند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی می افزاید: حضور هواپیما های عراقی در آسمان اصفهان باعث شد که ساعت ۱۶ و ۴ دقیقه دیروز (۶ اوت) آژیر خطر هوایی در تهران بصدا درآمد.

خبرگزاری فرانسه - ۷ اوت ۱۹۸۶

جمع آوری امضا برای صلح

نمایشگاه عکس

نهضت مقاومت ملی ایران - شاخه ایتالیا - با برپایی یک نمایشگاه عکس از جنایات و آدمکشی و شکنجه های ملیون در زندان های رژیم خمینی، بار دیگر افکار عمومی ایتالیا را نسبت به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی جلب کرد.

این نمایشگاه که از ۱۵ ژوئیه تا چهارم اوت در مرکز شهرداری تورینو برپا بود، توجه هزاران نفر از شهروندان تورینو و ایرانیان مقیم ایتالیا را به خود جلب کرد.

شاخه ایتالیا بی نهضت مقاومت ملی ایران در گزارشی که درباره این نمایشگاه فرستاده است یادآوری می کند که بیش از هزار تن از پدیدارکنندگان نمایشگاه عکس، علیه جنگ جمهوری اسلامی و عراق امضاء داده اند و بسیاری از اینان ضمن جملات و اظهار نظرها بی دردیسل امضاء این جنگ بی فرجام را، سفبار، غم انگیز و ضد بشری توصیف کرده اند. برپایی این نمایشگاه عکس در مطبوعات ایتالیا، بازتاب درخور توجهی داشته است که از آن جمله "لا ستامبا" و "پاز دلا سرا"، دوروزنامه پرتیترراژ، گزارش های بی دربارانه نمایشگاه به چاپ رسانده اند.

تظاهرات بزرگداشت انقلاب مشروطیت

بقیه از صفحه ۱

در تهران، به ویژه در اطراف چهارپنج متری سیدخندان، پل سیدخندان، خیابان شمیران، خیابان پهلوی، نارمک، خیابان شاه و در خیابان های نواحی جنوبی تهران (ناصرخسرو، شاهپور، امیریه)، گروه های چند نفری هسته های مقاومت وابسته به نهضت مقاومت ملی ایران، نوارهای پارچه ای حاوی شعارهای: "چهاردهم مرداد برملت ایران مبارک" - "جشن مشروطیت را به ملت ایران تبریک می گوئیم" و ...

به دیوارها، بدنه پل ها، بر فراز تابلوهای راهنمایی و رانندگی و برجبه چند ساختمان بلند نصب کردند. همزمان با پخش و نصب شعارها، جوانان هسته های مقاومت میان ساعت ۹ تا یک با مداد شب هنگام سیزدهم مرداد، صدای همتا همتا و به فریاد رسا در سکوت شب در خیابان ها و کوچه ها شعارهای ضد رژیم خمینی سر می دادند.

شعارهای دیگری که در شهرهای گوناگون ایران در این شب ساگرد انقلاب مشروطیت به گوش شهروندان رسید عبارتند از:

زنده باش پوربختیار ادا مدهنده نهضت صدق - زنده و پیروز و بازمست ایران - مرگ بر رژیم خون آشام ولایت فقیه و ...

گزارش های که از شهر تبریز رسیده است حکایت می کند که صد و چهل هسته های مقاومت در شب چهاردهم مرداد، بسیاری از نقاط شهر را از عکس ها و اعلامیه ها و شعارها پوشاندند. در حکماور تبریز، به مدت نیم ساعت، شعارهای ضد رژیم

و شعارهای بزرگداشت انقلاب مشروطیت از چندین بلندی دستی پخش می شد، که هر چند دقیقه محل بلندگوها تغییر می کرد. در تبریز عکس های ستارخان و باباقرخان به همراه عکس های شاپور بختیار در بسیاری نقاط بردیوارها نصب شد. گزارش های دیگر از تهران حاکی از آنست که در همین شب هشتاد شصت کاغذ فوری بزرگ در مقبره ستارخان

در جنوب تهران روشن شد که تا صبح می سوخت. بزرگداشت مشروطیت، علاوه بر پخش شعارها و عکس ها، در تهران و رشت و با بیل با برگذاری میهمانی های درخشان و دهانه نیز همراه بود. در ایمن میهمانی ها که از دوستان و خویشاوندان نزدیک حضور داشتند، تاریخچه مشروطیت و جانشانی مردم ایران در مبارزه با استبداد سلطنتی یا زنگنه میشد و شعار انقلابی شاعران دوره مشروطیت با زمی خواندند. یک هسته مقاومت فعال در تهران، در گزارشی خود می گوید:

"چند گروه از جوانان تصمیم گرفتند تا در شب ۱۴ مرداد، بر بلندی های البرز در حوالی توجال، هشتاد شعله برافروزند، آنشب مردم تهران بسیاری از شعله های فروزان بر بلندی ها را دیدند که همزمان در نقاط گوناگون کوهستان برافروخته شد. ... یک گزارش دیگری می گوید: شما ریساری از عکس های شیخ فضل الله نوری که پیروی آن به خط قرمز نوشته

صلح در مسلخ جماران

آیت الله خمینی در پیامی خطاب به حدود ۱۵۰ هزار زائر خدایا، (۷ اوت) برابر با ۱۶ مرداد ماه) بار دیگر هرگونه احتمال برقراری صلح در جنگ خلیج فارس را رد و رد کرده است .

آیت الله بدون آنکه مستقیماً اشاره ای کند، اما در حقیقت در این پیام به تازگی سرگشته صدام حسین رئیس جمهوری عراق پاسخ می گفت که چند روز پیش طوسی آن مقامات جمهوری اسلامی را به مذاکرات صلح دعوت کرده بود .

آیت الله در این پیام صلح را از "جمله گناهان کبیره" توصیف کرد، زیرا به عقیده وی: " یک صلح تحمیلی بدتر از جنگ است ."

کرده اند، اما برخی از آنان (لوماتن و لیبراسیون) با وجود این، عراق و ایران را " از نفس افتاده و خسته " می دانند .

لیبراسیون با رجوع به گفته های خامنه ای و رفسنجانی در ماه پیش که به تکرار گفته اند: " تا پایمان سال جاری، جنگ با این خواهی داشت " چنین نتیجه می گیرد که: " اشارات صریح دوشمول درجه اول جمهوری اسلامی در اینک که جنگ امسال تمام خواهد شد به معنای آنست که ایران دیگر در خود توانایی ادامه جنگ فرسایشی را نمی بیند ."

ماهنامه فرانسوی " بازار " مینویسد: " امام با رد دیگر پرسنده صلح را در مسلخ جماران سر برید و این در حالی است که " ملایان حاکم " ایران به بسیج بی سابقه ای از نیروی انسانی دست زده اند . ماهواره های آمریکایی تجمع نیروهای ایرانی را در جبهه ها پر شمارتر از هر زمان دیگر گزارش کرده اند . امام خمینی با پیام ۷ اوت در حقیقت فرمان یک حمله خونین دیگر را صادر کرده است . نتیجه این حمله تازه به پیشبانی امواج انسانی نیاید حداکثر از شغال چندده کیلومتر مربع بیابان سوخته و یا مرداب بیشتر رود، اما هزاران قربانی از نیروهای ایرانی بر جای خواهد ماند . پس از این هجوم محتمل، با زایران و عراقی ها هم نجاتی قرار نخواهند داشت که امروز ایستاده اند . اما فرسوده تر و خسته تر و آسیب پذیرتر از همیشه: ارتش عراقی بیچاره های گوناگون روحیه مستحکمی ندارد و اعتراض های فوج جنگ در ایران نیز هر روز بالاتر می گیرد . امام خمینی، بنظر می رسد این بار تهجیب همسار می تواند، و در پایان حمله محتمل دست خالی تر از همیشه خواهد بود ."

در بخش دیگر از این پیام، آیت الله خمینی، موقع سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی را " نیرومند و مستحکم " بر خواند و گفت:

" دعوت صلحی که از سوی دشمن پیشنهاد شده است، برای آنست تا فرصت پیدا کند که نیروهایش را تقویت کند و با دیگر غافلگیرانه به ایران هجوم آورد . در این صورت ایران ناچار خواهد بود تا نیروهایش را در یک هزار کیلومتر مربع به حالت آماده باش نگاه دارد . عقد صلح با رژیم بغداد یعنی برسمیت شناختن حزب بعث که با جنایت و ارتعاب بر مردم مسلمان عراق حکومت می کند ."

پیام اخیر آیت الله خمینی، تفسیرها و برداشت های رادرسانه های گروهی بین الحلقه در پی داشت . مطبوعات انگلیسی زیر عنوان های " آیت الله می جنگد "، " خمینی صلح را دوست ندارد " و " جنگ خلیج فارس با لایم می کشد " این پیام آیت الله ۸۶ ساله را نقطه پایانی بر خوشبینی های اخیر گروهی از آگاهان تلقی کرده اند، که گمان می کردند سقوط بیای نفت خمینی را بر سر عقل خواهد آورد .

روزنامه های فرانسوی، با رد و طرد پیشنهاد صلح صدام حسین از سوی آیت الله خمینی، آینه نزدیک را در جبهه های جنگ پرکشتر، و ترس آور توصیف

تهران

امریکایی زندانی

وزارت امور خارجه آمریکا دیروز تا شنبه کرد که یک آمریکایی ۴۹ ساله به نام " جان باتیس " کارمند یک شرکت آمریکایی در ایران، از سوی جمهوری اسلامی به اتهام جاسوسی برای ایالات متحده دستگیر شده است .

علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، چندی پیش اعلام کرد که یک آمریکایی که در ایران به ایالتی بود به جرم جاسوسی دستگیر شده است . وی اما چند و چون این ماجرا را فاش نکرد .

" جان باتیس " کارمند یک شرکت آمریکایی بنام " مهندسان کامپوس " بود و در مرکز ارتباطات ماهواره ای اسد آباد همدان کار می کرد . به گفته خواهرش، مقامات جمهوری اسلامی به شرکت مذکور فشار آورده بودند که کارمندان آمریکایی خود را با گذرنامه ساپوشورها به ایران بفرستند تا فاش نشود که اتباع آمریکا در ایران بکار اشتغال دارند .

چارلز زردمن، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که دولت آمریکا از طریق سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع آمریکا در ایران است از این ماجرا آگاه شد . وی توضیح بیشتری در این زمینه نداد و گفت: " دیپلمات های سوئیس اجازه ندارند با " جان باتیس " ملاقات کنند . اما (الن باتیس) خواهر آمریکایی با زداشت شده، درواشنگتن اعلام کرد که " جان باتیس " به اتهام آن که از سوی آمریکا اطلاعات محرمانه در اختیار عراق قرار داده است، روز ۲۷ تیرماه گذشته دستگیر شد .

" جان باتیس " در ایستگاه ارتباطات ماهواره ای " اسدآباد " واقع در ۳۰۰ کیلومتری جنوب غربی تهران کار می کرد . به گفته خواهرش، از آنجا که وی اندکی قبل از میماران مرکز " اسدآباد " از سوی هواپیمای عراقی، از محل کار خود خارج شده بود، مورد سوءظن مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت و با زداشت شد .

خبرگزاری فرانسه - ۹ اوت ۱۹۸۶

آتش سوزی بزرگ

در یک آتش سوزی مهیب که بدنبال چند انفجار شدید در سه راه تخت جمشید - جاده قدیم شمیران تهران رخ داد، دویانک در آتش سوخت .

برای شایان آتش سوزی که از ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۹ مردادماه (۱۵ اوت) بطول انجامید، ستون های سیاه دود آسمان این منطقه را پوشانده بود . در تهران، مسرد م می گویند، این آتش سوزی عمدی است و طبق یک نقشه حساب شده توسط عوامل رژیم صورت گرفته است .

راهپیمایی بزرگداشت

بمناسبت هشتاد و دومین سالروز اسلام مشروطیت، ایرانیان مقیم لس آنجلس با مداد سه شنبه ۱۴ مرداد - ۵ اوت - در برابر ساختمان بانک ملی ایران، گرد آمدند و ضمن گرامیداشت هشتاد و دومین سالروز مشروطیت، از حرکت های اعتراض آمیز اخیر پریشان ایرانی در برابر رژیم اسلامی پشتیبانی بعمل آوردند .

تظار کنندگان که پرچم شیروخورشید نشان ایران و پلاکاردهای با شعارهایی به طرفداران ازحاکمیت ملی و درخواست آزادی سریع پریشان زندانی در جمهوری اسلامی با خود حمل می کردند، سپس در خیابان های شهر راهپیمایی کردند و صدای اعتراض خود را به گوش هزاران تن از مردم کوچه و بازار که شاهد این تظار هرات بودند، رساندند . بر پلاکاردهای تظار کنندگان این شعارها به چشم خورد:

" ما برای استقرار دیمکراسی در ایران مبارزه می کنیم " - " حقوق بشر استثناء پذیر نیست " - " ایران هرگز نخواهد مرد " - " از شکنجه پریشان ایران که در راه احقاق حقوق صنفی خود مبارزه می کنند، جلوگیری کنید " - " مرگ بر خمینی و جمهوری اسلامی، زنده باد مردم ایران، برقرار بباد رژیم مشروطه " .

کانال هفت تلویزیون آمریکا که از این تظار هرات فیلم برداری کرده بود با چند تن از شرکت کنندگان به مصاحبه پرداخت . گزارش تلویزیون کانال هفت، در برنامۀ خبری شب همان روز پخش گردید .



پزشک و بیمار در جمهوری اسلامی

دا نشجویان ایرانی رشته پزشکی در دانشگاه های کالیفرنیا نیز در این زمینه همگام با پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به دفاع از حقوق صنفی پزشکان معترض ایرانی برخاستند و صدای اعتراض خود را نسبت به ادامه با زداشت پزشکان زندانی به گوش محافل جهانی رساندند .

بین المللی و درج مقالات در مطبوعات آمریکا و اقدام های دیگر، مصدای همکاران خود در ایران را به گوش افکار عمومی آمریکا رساندند و خواست های پزشکان اعتصابی و موارد تجسبات و زورگویی های رژیم اسلامی نسبت به پزشکان را تشریح کردند .

پزشکان ایرانی مقیم لس آنجلس

دفاع از حقوق

صنفی پزشکان ایرانی

بدنبال اقدام های افشاگرانه چند تن از پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به منظور جلب حمایت محافل بین المللی از حرکت های اعتراضی پزشکان ایرانی محکوم ساختن رفتار خستون بار رژیم اسلامی در برابر آنها، ساعت شش بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۴ مرداد - ۵ اوت - جمعی از پزشکان و دندانپزشکان ایرانی مقیم لس آنجلس در بیمارستان " میگون " این شهر گرد هم آمدند و ضمن انتشار بیانیه ای، مراتب اعتراض خود را نسبت به رژیم اسلامی به اطلاع سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی رساندند . آن ها از همکاران خود در آمریکا، درخواست کردند که به حمایت از حقوق حقۀ پزشکان ایرانی، بپا خیزند .

در این میان دکتر کا شانی، دکتر پرویز طالقانی، دکتر فیروز لاهی و دکتر رونقی با ارسال تلگرامی مونا مبه مراجع

درخواست اشتراك

بهای اشتراك يك ساله ۲۲۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۱۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

ایمناجب (نام و نام خانوادگی)

فارس و به حروف لاتین)

نام خانوادگی :

Nom

نام :

Prénom

آدرس :

Adresse:

مابلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب بستی نشریه ... حواله شد .

قبض رسید به منضمه ارسال می گردد .

تاریخ : امضا

شماره حساب بستی :

QYAM IRAN

C.C.P No: 2400118/E

PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN

Crédit du Nord

78, Rue de la Tour

75116 Paris

Compte No: 11624700200

نشانی:

QYAM IRAN
C/O C.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد